جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

مقدمه

موقعیت جغرافیایی ایران بگونه ای است که همواره مورد سکونت انسانها از هـزاران سال پیش از تاریخ قرار گرفته است. نجد ایران مثلثی است بـین دو فرورفتگـی خلـیج فارس در جنوب و دریای خزر در شمال. کوههای مغرب یا سلسله زاگـراس از شـمال غربی به جنوب شرقی امتداد یافته است و سلسله جبال البرز در قسمت شـمالی مثلـث مذکور قرار گرفته است.

به شهادت تاریخ و گواهی باستانشناسانی که از سالها قبل از این، در مناطق مختلـف و بر روی آثار بجای مانده از ایران باستان کند و کاو می کردند نجدایران از جمله اولیه نواحی سکونت بشر اولیه بوده است. در قسمت داخلی نجد ایران از جمله مناطقی کـه مورد سکونت قرار گرفته است دشت پهناور خوزستان یا سوزیانای[1] قـدیم اسـت ایـن دشت که در قسمت جنوب غربی قرار گرفته است همـان امتـداد دشـت بـین النهـرین است.

تحقیقات باستانشناسی نشان داده است که انسان عهد حجر کـه تـازه از کـوه فـرود آمده و در دشت سکونت گزیده بود بر روی مسیر کمانی شکل اطراف کویر نمک واقع در مرکز ایران ساکن شد. (هزاره پنجم ق.م) از جمله قرارگاههای انسانی بـر روی ایـن مسیر سیلک کاشان، قم، ساوه، ری و دامغان است.

[1] Susiane

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

بشر اولیه تا زمانی که یکجا نشینی را آغاز نکرد نتوانست به طور مطلوب از صنایع مختلف از جمله سفالگری، کشاورزی، دامداری و غیره بهره لازم را ببرد. اگرچه باستانشناسان، قدیمی ترین ظروف گلی حرارت دیده را به هشت هزار ق.م نسبت می‌دهند و نمونه آن در غار کمربند در نزدیکی بهشهر بدست آمده لیکن سفالهای این دوره ضخیم، کم پخت، شکننده، خشن، قهوه ای رنگ و بدون نقش است و در آن مقدار زیادی علف به عنوان شاموت[1] بکار رفته است و این نشاندهنده آن است که سفال در این سالها در مرحله ابتدایی پیشرفت خود بوده است و احتمالاً مدت زمان زیادی از استفاده پوسته کاسه ای گیاهان و قطعات سنگی با سطح مقعر به عنوان ظرف نگذشته بوده است.

در مرحله بعد با گذشت زمان و تشکیل دهکده ها و پیشرفت صنایع مختلف بخصوص سفالگری، ظروف سفالی ظریفتر، با ضخامت کمتر و با درجه حرارت بالاتر پخته شدند و کم کم نقوش مختلف با تکامل تدریجی خود بر روی ظروف بکار گرفته شد که این تکامل تدریجی را با بررسی لایه های مختلف تپه های سیلک کاشان، شوش و سایر نقاط می توان مشاهده کرد.

همزمان با شکل گیری نقوش تزئینی بر روی سفال، با هنر نقش برجسته در این دوره‌ها روبرو هستیم. هنر نقش برجسته از هنرهایی است که ایرانیان باستان از هزاران سال پیش از تاریخ به آن توجه داشتند لیکن این هنر در اندازه های بزرگ آن بیشتر بر

---

[1] الیاف کوچك گیاهي که براي چسبندگي بیشتر گل با آن مخلوط مي شود.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

روی سنگ و با حجاری اجرا می شد و فقط اندازه های کوچک آن بود که به کمک فلز و گاهی گل انجام می شد. نقوش این نقش برجسته ها در بیشتر مواقع واقعی و در مواردی در دوره هایی خاص نقوش تجریدی بکار می رفت.

امروزه نقش برجسته ها بیشتر حالت تزئینی یافته اند و در اندازه های مختلف بیشتر با گل برای تزئینات داخلی و خارجی بکار می روند. آنچه باعث کاهش ارزش این آثار به عنوان هنر می شود طرحهایی است که هنرمندان اجرا می نمایند. بیشتر طرحهایی که امروزه نه فقط در نقش برجسته بلکه در هنرهای دیگر نیز اجرا می شود چیزی جز تقلید زود هنگام از هنر غرب نیست که هیچ گونه سنخیتی با فرهنگ و تمدن ایرانی ندارد. تمدنی که در آن با وجود همه پستیها و بلندیها، هنر روال طبیعی تکامل خود را طی کرد و در این راه هیچگاه از چهارچوب روح ایرانی خارج نشد.

در طراحی پروژه عملی ارائه شده سعی شده است نیم نگاهی به هنر اصیل ایرانی، سفالگری و هنر اصیل ایرانی، نقوش روی سفال، صورت گیرد.

در طراحی این نقوش، از نقاشی های اجرا شده بر روی سفال پیش از تاریخ بخصوص در سه منطقه سیلک کاشان، شوش و تل باکون الهام گرفته شده است.

در این رساله نیز هر چند سعی شد تا نقوش بیشتر از حیث معنی و مفهوم مورد بررسی قرار گیرند ولی بدلیل کمبود منابع این منظور به طور کامل برآورده نشد.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

فصل اول

۱- اهمیت هنرهای ایران (تزئینات و آرایه ها)

هنر از جمله اموری است که در هزاره های پیش از تاریخ هم همراه همیشگی بشر بوده است و همگام با پیشرفت فرهنگ و تمدن بشر به رشد و توسعه خود ادامه داده است و امروزه که بسیاری از علائم و نشانه های فرهنگ و تمدن های قدیم از بین رفته است آثار هنری که از آن زمان باقی مانده است تا حدود زیادی به دانسته های ما در مورد این تمدنها و فرهنگ انسانهای پیش از تاریخ می افزاید البته در این میان ایران از جمله مناطق محدودی است که مورد سکونت بشر اولیه قرار گرفته و هنر در این سرزمین مورد توجه خاص بوده و با ویژگیهای مخصوص این سرزمین تکامل یافته است.

دکتر آرتور اپهام پوپ در مورد اهمیت و ویژگیهای هنر ایران چنین می نویسد: «در سراسر تاریخ دراز و پر حادثه ایران که پر از انقلابها و پیروزیها و شکستها و کام و ناکامیهاست و همیشه در پی هرافول و نزولی صعود و ترقی پرثمری داشته هنر بزرگترین مایه و صفت خاص آن و هدیه دائم ملت ایران بتاریخ جهان بوده است.

هنر ایران در درجه اول به زندگی پیوند نزدیک دارد و تار و پود آن از تجربیات بشری بافته شده است. آنچه را که خوار مایه و بازاری است می آراید و زیور می‌بخشد. در همه دوران ایران باستان هنر ایران نیروهای آسمانی را می جوید و

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

می‌کوشد با وسایلی که دارد با این نیرو ارتباط بیابد، از او یاری بخواهد، قهر و خشم او را فرو بنشاند و او را مدح و ستایش کند. از قدیمترین زمان اگرچه هنر امری عادی و معمول بود ایرانیان برای زیبایی مقامی بلند قائل بودند. در طی قرنها همیشه ذوق و فهمی عام و استادانه مایه ترقی هنر بود. حمایت شاهان که نسبت به هنر دلبسته و کریم بودند پیوسته وجود داشت و زیبایی همیشه و در هر امری به مقام عالی می رسید.

هنر با زندگی پیوسته بود و انواع هنرها نیز با یکدیگر پیوند داشتند شیوه تجزیه و تقسیمی که امروز معمول است شاید در نظر هنرمند ایرانی عجیب می نمود. هر هنری از هنر دیگر مشتق می شد. اغلب موضوع نقاشی و شاعری یکی بود و شاعر و نقاش هر یک نکاتی از الهامات ذهن خود را بدیگری القا می کردند. هر دو در اجرای امر واحدی می کوشیدند و اینقدر کم در بند شهرت و نام خود بودند که ایثار نفس و فروتنی ایشان برای ما موجب تعجب است»[1].

هنرمند ایرانی در راه ایجاد اثر هنری خود پیوسته به هدف و آرمانی و الهامی اندیشید و با این اندیشه احساسات درونی خود را به دنیای مادی منتقل می کرد و به خاطر وجود همین تفکر و جنبه فراطبیعی هنر هیچگاه در پی بجا گذاشتن نام و نشانی از خود بر نیامد.

«هنر ایرانی بر تزئین مبتنی است. از همان آغاز هنرمندان خواسته اند نقشهایی را که کنایه و نشانه ای از اشکال و امور خارجی است بنگارند و این شیوه در نظر بعضی از

---

[1] اپهام پوپ، آرتور؛ شاهکارهاي هنر ايران، اقتباس و نگارش، دكتر پرويز ناتل خانلري، موسسه انتشارات فرانكلين، ص ۳-۲.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

فیلسوفان عمل اصلی و خاص ذهن بشری است. در این شیوه امور خارجی با نقشهایی تصویر می شود که آنها را تعبیر و تنظیم می کند. این گونه نقشها نه همان اشیاء را به صورت انتزاعی نشان می دهد بلکه جنبه عاطفی آنها را نیز جلوه گر می سازد و چون این نقوش بر عادات و عقاید دینی مبتنی باشد و رابطه میان هر علامت با آداب مذهبی ادراک شود ممکن است عمیق ترین تاثیر را بوجود بیاورد.

ابهت و جنبه روحانی هنر باستانی ایرانی بسبب آنست که کمال آن در تزئین مطلق است. تزئین که منبع اصلی و هدف هنر ایرانی است تنها مایه لذت چشم یا تفریح ذهن نیست بلکه مفهومی بسیار عمیق تر دارد.

نخستین ادراک مبهم ولی اساسی که بشر از جهان داشت با نقوش و اشکال تزئینی صورت خارجی یافت و بوسیله همین نقوش انسان با سرنوشت دشوار و پرخطر خویش ارتباط بیشتری پیدا کرد. هر نقش و شکلی وسیله ای برای پرستش و مایه ای برای راز و نیاز و آرامش و نیروی باطنی گردید. بسبب مجموع این امور هنر تزئینی ایران که از تجربیات ضروری ناشی شده بود به بالاترین درجه کمال رسید و چون پیوسته بتاثیر این عوامل ظریفتر شده و توسعه فراوان یافته است اکنون می تواند مستقیماً با دل آدمی سخن بگوید.»[1]

[1] همان

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

چنانچه امروزه با مشاهده نقوش تزئینی بر روی اشیاء بجا مانده از آن دوران دریافته می شود که نقوش طراحی شده توسط هنرمند آن زمان اگرچه دارای اشاراتی به زندگی و عالم واقعی است لیکن بیشترین توجه آن به سمت عالم غیر واقعی و روحانی است.

«این نقشهای رمزی برای آنکه در ذهن انسان تاثیر کند و روح را بـه هیجـان بیـاورد لازم بود که با وجوه اصلی ادراک بشری متناسب گردد. نقاشان می بایست زبانی بـرای بیان عواطف کشف کنند، نه تنها به منظور آنکه نقشـهای شـناختنی حـاکی از اشـیاء و وابسته به زندگی بوجود آورند، بلکه به آن قصد که اندیشه خود را با نقوشی بیان کننـد که هر یک بخودی خود دارای تاثیر خاصی باشد. البته این روش با علم و اراده هنرمند پیش نمی رفت اما هنرمندان کهن که نخستین نگارگران ظروف سفالی بودنـد علائـم و اشکال خاصی ابداع کردند کـه در نهایـت وضـوح و شـدت تـاثیر بـود و ایـن نقـوش قراردادی برای ذهن خیال پرور ایرانیان راه توسعه و ترقی را گشـود. نقاشـان ایـن اه را در طی هزاران سال پیمودند. نقاشان ایران در عین آنکه به رسوم کهن پایبند بودند و آن را با متانت و وفاداری حفظ مـی کردنـد در تکمیـل آن رسـوم و ابـداع دقـایق جدیـد کوشیدند. اگر این هنر بر اثر حوادثی که نیروی ملی ایران را ناتوان می کـرد گـاهی رو به ضعف نهاد قالبهای آن روح کهن را حفظ کرد و زمینه را برای تجدد و تجدید رونق آماده نگهداشت.»[1]

[1] همـان

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

این به نحوی بود که با وجود فواصل زیاد از نظر مکانی و زمانی بین تمدنهای مختلف که گاهی به صدها کیلومتر و هزاران سال می رسید و نیز دگرگونیهای اساسی در تمدنها، روح حاکم بر هنر ایرانی هیچگاه به طور کامل از بین نرفت و با نابود شدن یک تمدن هنر ایرانی در منطقه‌ای دیگر از این سرزمین با همان روح حاکم به تکامل خود ادامه داد.

«این امر که در ایران نقاشی تابع شعر و اندیشه های دینی و فلسفی است نباید اتفاقی تلقی شود، ایرانیان چنانکه ادبیات هزار ساله ایشان نشان می دهد شاعرترین ملتها هستند. برای این نوع نقاشی که معمول هنرمندان ایران است در زبانهای اروپائی اصطلاحی که کاملاً متناسب با آن باشد وجود ندارد، کلمات تزئین و آرایش هر دو مفهوم پست تری دارند و حاکی از اموری است که فرع و تابع حقیقت و اعتبار ملی است.

شاید بسیار اشتباه نکرده باشیم اگر هنر ایران را هنر نقش مطلق بخوانیم یعنی هنری که باید ما نند موسیقی و معماری تلقی شود. راستی هم غالباً مهمترین نمونه های هنر تزئینی به موسیقی مرئی تبدیل شده است، زیرا که این هنر از زیبایی و کمال اجزاء، و حسن ترکیب آنها به صورتی با معنی و موثر و در هیاتی که دارای قدرت تاثیر باشد حاصل می شود و هرگز اشیاء را با صفات اصلی که معرف جنبه خارجی یا جاندار آنهاست نمایش نمی دهد.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

چنین هنری در دست استادان فن دارای چنان قدرت و نفوذی است که هرگز نمایش طبیعی اشیاء به پای آن نمی رسد. گویی تا عمق وجود ما تاثیر می کند. گاهی چنان لذتی می یابیم که از خود بی خود می شویم و گاهی از تماشای آنها آرامشی لطیف در روح ما پدید می آید.

برای آنکه نقاشی در خور احترام باشد لازم است که هدف آن از تقلید و نمایش طبیعت فراتر رود. نخستین شرط ضروری زیبایی، کمال نقش است و کوشش در حصول این کمال مهمترین وظیفه هنرمند بشمار می رود و این نکته که تازه در مغرب زمین مورد قبول قرار گرفته است در آسیا همیشه امری مسلم و عادی شمرده می شد. اما ادراک زیبایی نقش مطلق بوسیله استدلال ممکن نیست و قابلیت این ادراک را نه به آرزو و نه به دعوی می توان کسب کرد.

تجربه ای دقیق و احساسی صادقانه و قابلیت ادراک کمال، و همدلی با طبیعت، و تخیلی پرورده و منظم چنانکه بوسیله موسیقی و ریاضی کسب می شود، و نیروی حفظ آداب و سنت های کهن و عادت به آنکه بتوان از صورت به معنی و مبدا پی برد، و استادی و مهارتی از روی علم و آگاهی تا هنرمند بتواند آن معانی را که دریافته است بپروراند و صورت و شکلی به آن بدهد، این صفات لازم است تا هنر طراحی یا نقش مطلق به حد کمال خود برسد. هنر ایران در همه دوران خود و در طی قرنهای متمادی این صفات را داشته است.»[1]

---

[1] همان

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

البته باید این را هم گفت که همانطور که هنرمند پیش از تاریخ باید دارای خصوصیات ویژه می بود تا بتواند این نقوش را بپروراند و طراحی کند امروزه نیز با مشاهده ساده و عدم تعمق، این نقوش به صورتی اگرچه زیبا، بی مفهوم دیده می شود و بدون تامل و تفکر و تحقیق نمی توان به مفاهیم عمیق این نقوش پی برد.

«در ایران هنر به آهستگی تکامل یافت و اصول و مبانی خود را که به محک زمانی آزموده شده بود تکمیل کرد و در عصرهای متمادی همچنان سلطه داشت. یکی از این مبانی صراحت و روشنی بود. ذهن ایرانی بنهایت منطقی و استدلالی بود حتی خیالپردازیهای او چه در افسانه ها و داستانهای پریان و چه در توصیف دیوهای نابودنی اغلب رنگ زندگی و امکان قبولی داشت.

اما این اصرار در صراحت و جستجوی کمال در حسن نظم و زیبایی حرکت و خط و رنگ هرگز هنری سرد و دور از زندگی بوجود نیاورد. البته اعتراف باید کرد که گاهی ممکن است بیش از آنچه باید دقیق و تعمدی و ملال انگیز باشد اما این گونه نقصها در هر شیوه ای هست. بر روی هم هنر ایران همیشه متعادل و متناسب و جا مع بوده است.

طراحان هنر ایرانی از هنرمندان کشورهای دیگر در ایجاد طرحهای در هم پیچیده که بهم انداختن و هموار کردن آنها مستلزم چیره دستی و قوه تخیل است مهارت بیشتری داشتند و در عین حال در تبدیل شکلها به ساده ترین صورت استادی خاصی نشان می‌دادند. در ترسیم خطوط پیرامون شکلها بطریقی که خصوصیات نقش را جلوه

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

بدهد استاد مسلم بودند و خوب می دانستند که چگونه می تـوان امـری را بـا خطـوط ساده بی‌افراط در نقوش و صور بیان کرد.

اگرچه هنر ایرانی در بعضـی از دوره‌هـا تنهـا در پـی آن بـود کـه بـا سـاده‌تـرین و سریع‌ترین وسیله تاثیری عظیم ایجاد کنـد در تمـام ادوار مهـارت و ریـزه‌کـاری در آن اهمیت فراوان داشت. در ضمن جستجو و کوششی که ایرانیان برای تکمیل هنـر خـود بکار می بردند گاهی نیز خواه بر اثر توجه خود و خواه در نتیجه تاثیر یونـان و روم بـه تقلید طبیعت و نمایش امور واقعی پرداختند و در آن به مقامی عالی رسـیدند. امـا ایـن شیوه هیچگاه ایرانیان را خرسند نکرد. این کار در نظـر ایشـان سـطحی و خصوصـی و فردی جلوه می کرد. ذوق ایشان بیشتر در نمایش اشکال طالب آن شیوه بود که از قیـد زمان و مکان آزاد باشد و طعم فنا ندهد بلکه بسوی بقا میل کند.»[۱]

[۱] همـان

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

۲- سفال و سفالگری معرف فعالیت جوامع بشری

اگرچه امروزه علم باستانشناسی پیشرفت شایانی نموده است و می توان بوسیله این علم تاریخ و اطلاعات بسیاری در مورد تمدن و فرهنگ های پیش از تاریخ بدست آورد لیکن هنر بشر پیش از تاریخ نقش بسیار عظیمی را در پیشرفت این علم ایفا کرده است و در واقع علم باستانشناسی بر پایه آثار هنری استوار گشته است به گونه‌ای که اگر انسان پیش از تاریخ هیچ گونه اثر هنری از خود باقی نگذاشته بود دانسته های ما بسیار ناقص تر از آن چیزی بود که در حال حاضر می دانیم.

خانم لیلا رفیعی در کتاب خود چنین می نویسد:

«هنر اقوام و ملل در حکم حرکتی بالنده تحت تاثیر شرایط ویژه اجتماعی- اقلیمی مسلط بر محیط زیست انسانها و محل نشر و نمای آنان. هنرهای ملی عموماً نشانه‌هایی است از سیر تکامل فرهنگ و اوضاع و احوال ویژه هر قوم.

از جمله مدارک موجود برای ثبوت غنای فرهنگی هنری و رشد و نمو تمدن هر قومی در دوران باستان پیشرفت هنر سفالگری آن قوم است. در ایران باستان نیز سفالگری از لحاظ صنعتی، اجتماعی و اقتصادی کهنترین، جالبترین و مهمترین هنرها محسوب می شود و ارزش هنری و فنی آن گویای قدر و منزلت والای این هنر در این منطقه بسیار کهن است.»[۱]

---

[۱] رفیعی، لیلا؛ سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر؛ انتشارات یساولی؛ ۱۳۷۷، ص۷.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

این هنر تنها هنری است که تقریباً از همان اولین روزهای متمدن شدن بشر باوی همراه بوده است و همگام با متمدن تر شدن او تکامل یافته و نیز امروزه به میزان فراوان در مناطق مختلف باستانی همانند سندی مکتوب بدست ما رسیده است.

«در واقع هنر سفالگری به دلیل عمومیت و مردمی بودن آن در هر منطقه، ناحیه و حتی کارگاه گویای ویژگیهای اقلیمی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری کسانی است که در آن منطقه می زیسته اند. زیرا طرز ساخت ظروف و اشیاء سفالین از نظر روش فنی، اشکال، رنگها و نقوش تزئینی مورد استفاده زبان گویایی است که پس از هزاران سال ما را به شیوه تفکر و قدرت تخیل سازندگان آن آشنا می کند و رازهای بسیاری را که نگارش و تکلم قادر به انتقال آن نبوده است بر ما فاش می سازد.

سفالگر باستانی به دلیل نبود خط و کتابت از طریق تغییراتی که در شکل ظاهری و نقوش تزئینی بوجود می آورده افکار خود را در رابطه با طبیعت و جامعه زمان خود به ما منتقل کرده است، استادی و مهارت این سفالگران اولیه در طرحها و نقوش و فنون مختلف گاه بسیار شگفت آور است.

شاید به جرات بتوان گفت که سفالگری تنها چیزی است که از هزاران سال پیش از تاریخ تا امروز ادامه یافته و در ایران نیز از نظر تنوع سبکها، تحول روشهای فنی، فراوانی فرمها و غیره با دیگر هنرهای کهن مقایسه پذیر نیست بلکه از آنها با ارزشتر و ستایش انگیزتر است.»[۱]

---

[۱] همان ص ۸و۷.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

هنر سفالگری به خاطر مواد و مصالح مخصوص به خود هیچگاه بـه سـادگی دچـار آسیب نمی شود و اگر مستقیماً در مقابل عوامل جوی قرار نگیرد هزاران سال بـه طـور سالم باقی می ماند و می بینیم اگرچـه هنـری چـون فلـز کـاری هـزاران سـال بعـد از سفالگری بوجود آمد اما آثار فلزی بجا مانده از اولین دوره فلز بسیار کمتـر از ظـروف سفالین ابتدایی است.

«سـفال ایرانـی پیوسـته بـه عنـوان هنـری مردمـی شـناخته شـده اسـت. از طریـق سفالینه‌هاست که مزیت و قدرت آفرینش صنعتگران و عمیقترین جلوه های بیان آنها را در می یابیم. زیرا این هنر که از دوران پیش از تـاریخ مضـامین مختلفـی را بیـان کـرده است تنها یک بیان ظاهری نیست بلکه صنعتگر در حقیقت از طریق آن دید خـود را از طبیعت بوسیله طرحهای زینتی نشان داده است و همین عینیت هنرمندانه بوده که مـردم ایران را به عنوان استادان سربلند سفالگری معرفی کرده و دستیابی به ابتکارات مختلف در روشهای فنی جدید و بهره وری از امکانات و طرحهای گوناگون و زیبا و آفـرینش مضامین زینتی جدید را برای آنان ممکن ساخته است.

اندک تحقیق و شناختی در تایخ سفال کهن ایران نشان می دهد کـه گـرایش شـدید به جستجوی مضامین زینتی تازه و پدید آوردن روشهای فنی بهتر و جدیـدتر در تمـام اعصار هنر ایران نیز یافت می شود. در دوران پیش از تـاریخ سـفالگر ایرانـی قـادر بـه ساختن زیباترین سفال منقوش در جهان بوده است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

هنرمند سفالگر دوران کهن بدون در دست داشتن ابزار پیشرفته کنونی و بدون بهره‌گیری از دانش امروزی توانسته است با قدرت درک عمیق و احساس بی نظیر خلاقیت خود را همراه با اصالت و طبیعت نشان داده و ابدیت را نمایان نموده و اینها مضمونهایی است که در سفالگری امروز به ندرت به چشم می خورد.

باید اعتراف کرد که بیان هنرمندان سفالگر در دورانهای باستانی بسیار گویاتر، عمیقتر و با احساستر از سفالگر امروزی بوده است. سفالگر این دوره با وجود استفاده از جدیدترین اختراعات علمی، دیگر امکان یا فرصت انتقال مفهوم یا مضمونی را به بیننده ندارد و تنها در فکر تکثیر و بالا بردن میزان تولید خویش است.

تعریف سفال:

سفال= سفال= سوفال= سوفار= سفاله. این اصطلاحات همگی به معنای اشیاء ساخته شده از گل پخته هستند.

اصطلاح سفال به معنای عمومی پوستهای گردو، پسته، بادام، فندق و پوست انار خشک نیز آمده است.

سفال در واقع نخستین محصول هنری و صنعتی مردمان اولیه (پس از سبدبافی) و حاصل نیاز و شعور آدمی در بکارگیری عوامل طبیعت است و از آنجا که مواد اولیه آن: خاک، آب و آتش در سرزمینهای محل سکونت بشر یافت می شده نشانه های تولید آن را در تمامی نقاط مسکونی انسان مشاهده می کنیم.»[۱]

---

[۱] همان، ص۱۷.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

سفال ایران در دوران پیش از تاریخ

سفالگری در ایران بر پایه و مبنایی استوار بنا گشته است یعنی دارای چنان قدمتی است که هرگز نمی توان گفت هنری عاریتی از سرزمینی دیگر است. از ابتدا در همین سرزمین ابداع شده است و در همین سرزمین توسط اقوام مختلف تکامل یافته است.

«سفالگری فعالیت اصلی جامعه روستایی ایران باستان بوده است. سفال ایران شیوه‌های وسیع و متنوعی را دنبال کرده که بازتابی است از ویژگیهای جغرافیایی شهرها و مناطق کوهستانی مختلف، دره های عمیق و دشتهای گسترده به طوری که هر منطقه هویت ویژه خود را در تولیدات سفالینش جلوه‌گر ساخته است. در واقع سفالگری هنری است که به صورت سنتی از ادوار بسیار کهن طی گذشت هزاران سال اصول فنی با ارزشی را تا امروز حفظ کرده است. ارزش هنری سفال امکان شناخت حرفه‌ها، صنایع جوامع و دیگر آثار مادی طوایف بشری در قلمرو فرهنگهای گوناگون را فراهم می سازد.

یک شیء سفالین نه تنها سلیقه ابداع کننده بلکه نشانه های معینی از زندگی اجتماعی و دوره زندگی و ویژگیهای مادی و معنوی آن را به ما نشان می دهد و وسیله مستقیمی برای شناسایی تمدن شهرها، ادوار و اقوام مختلف است زیرا هر ملتی برای تزئین سفالهای خویش نشانه ها، اشکال و تزئینات ویژه خود را بکار می برده است. شکل، رنگ، نقش، لعاب و میزان حرارت و حتی نوع خاکی که هنرمند برای کار خود انتخاب کرده است مجموعاً نهادها و نشانه هایی هستند برای برقراری ارتباط میان

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

انسان امروز و نیاکان هزار سال پیش او و از راه آشنایی با این زبان ویژه مـی تـوان بـه راز و رمز زمان و محیط اجتماعی و طبیعی هر منطقه نزدیکتر شد.

ژان لوئی اوئو، شوش را نخستین کانون سفال منقوش شناخته و تـاریخ آن را هـزاره پنجم پیش از میلاد معین کرده است.

رومن گیر شمن سیلک کاشان را به عنوان کهنترین محل اسـتقرار انسـان در فـلات ایران و نخستین اثر بازمانده او را به هزاره پنجم پیش از میلاد نسبت داده است.

در همان حال کهنترین سفال شناخته شده در جهان سـفالی اسـت متعلـق بـه مرکـز باختری و جنوب آناتولی که ملکوم هسلام تاریخ آن را ٦٥٠٠ سال پیش از میلاد تعیین کرده است.»[1]

هرچند در این نکته که اولین سفال مربوط به کدام منطقه از ایـن کـره خـاکی اسـت نظرات متفاوتی وجود دارد لیکن می توان گفت ایران مسـلماً از جملـه اولـین منـاطقی است که صنعت سفالگری در آن ابداع و رشد و نمو کرد.

تزئین بر روی سفال پیش از تاریخ ایران

تزئینات بر روی سفال اندکی پس از ساخت اولین سفالها توسط بشـر بوجـود آمـد. این نقوش که به دو صورت کنده کاری بر روی سفال مرطوب و رنگ اجرا می شد در

[1] رفیعي، لیلا؛ سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر؛ انتشارات یساولي؛ ۱۳۷۷، ص ۳۱و۳۷.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

آن زمان، هم می توانست به صورت تزئینی بر روی سفال انجام شود و هم وسیله‌ای برای ارتباط بین انسانهای اولیه باشد.

«روش کنده کاری با وسیله نوک گردی که در عمل گودی کمتر و پهنای بیشتری ایجاد می کند انجام می‌شده است و برشی مانند مثلث یا نیم دایره و غیره که سایه دار بوده ایجاد می شده است. نقوش این تزئین در دوران ابتدائی به صورت خطوط نامنظم انجام می شده ولی به تدریج نقوش انسانی، حیوان و گیاه نیز به صورت کنده کاری بر روی ظروف یا پیکره ظاهر شده است.

سفالهای تزئین شده به کمک رنگ از هزاره چهارم پیش از میلاد با تزئینات هندسی و نقوش حیوانات بدست آمده که اغلب تزئینات آن با رنگ سیاه و چند ته رنگ قرمز روی خمیر مایل به زرد مشاهده شده است. برای مثال می توان از کوزه ای مربوط به ۴۰۰۰-۳۰۰۰ پیش از میلاد نام برد که متعلق به کرمانشاه و با نقوش چند رنگ پرندگان و ستاره ها تزئین شده است.

سفال چند رنگ در شوش نیز در هزاره سوم پیش از میلاد تولید می‌شده است. همچنین نمونه هایی از این سفال توسط هیات باستانشناسی دمرگان و دمکنم از این ناحیه بدست آمده که متعلق به هزاره های دوم و اول پیش از میلاد است و هم اکنون در موزه لوور، سالن شوش قرار دارد.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

به علت اینکه کاربرد این روش دشوار و نتایج آن نامطمئن بوده است به تدریج به فراموشی سپرده شده و از هزاره اول پیش از میلاد تولید آن بسیار محدود بوده است.»[۱]

سیر تحول سفال از پیش از تاریخ تا عصر حاضر در ایران

در نخستین هزاره های شناخت و تولید سفال توسط بشر شکل ظاهری ظروف بسیار ابتدایی و در واقع به صورتی بوده است که بتوان به کمک سبدهای بافته شده آنها را ساخت. گل مورد استفاده نیز به دلیل کم تجربگی انسان نامرغوب، دانه درشت و دیواره ظروف ضخیم بوده است.

«اشکال ظروف سفالین هزاره های هشتم و هفتم پیش از میلاد شامل انواع کوزه‌های بزرگ، خمره، جام و قدح بوده است. در این دوره خمیر سفال به رنگ قهوه‌ای مایل به سیاه با طرحهای هندسی ساده و نقوش کاملاً ابتدایی بوده است که علامت مشخصه تمدن روستایی تکامل یافته نوسنگی است.

در جلگه شوش در هزاره ششم پیش از میلاد زمین از راه آبیاری که پیشرفت قاطعی در تاریخ کشاورزی محسوب می شود حاصلخیز شده است. ظروف این دوره دارای تزئیناتی است که بیانی از آگاهی هنری انسان باستانی را نشان می دهد. این تزئینات عموماً بسیار ابتدایی به رنگ قهوه ای مایل به سیاه یا قرمز رنگ است و دارای طرحهای هندسی بسیار ساده ایست. خمیر سفال از خاک رس نرم و خالص عموماً به رنگ قرمز است.

---

[۱] همان، ص ٤٥.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

از آغاز دوره بعد حدود ۵۵۰۰ سال پیش از میلاد سفال منقوش در تمام نقاط خاورمیانه ساخته می شده است. در اولین تحول عصر مس و سنگ نقوش ظروف سفالین در ایران هندسی خالص است مانند ظروف تپه سیلک. ولی در دومین تحول این دوره اغلب در کنار طرحهای هندسی گوناگون نقش بسیاری از حیوانات مانند مار، یوزپلنگ، بز وحشی و شتر مرغ به چشم می خورد که همگی از طبیعت الهام گرفته و با اشکال هندسی تزئین شده اند. تعداد اندکی چهره های انسانی نیز دیده می شود.

به گفته گیرشمن: نقش انسان روی سفالهای منقوش در سیلک قدیمیتر از یونان است. در جریان هزاره چهارم پیش از میلاد پیشرفت تمدن ایرانی بسیار سریع و اساسی بوده است، سفال فراوانتر و گوناگونتر است و برای تزئینات از نقش حیوانات مختلف و نیز نقوش هندسی استفاده شده است مانند ظروف تپه سیلک و تل باکون. از این دوره سفالهای چند رنگ سیاه و چند ته رنگ قرمز روی خمیر مایل به زرد نمایان شده است. سپس از خمیر نرم و خالص استفاده می شود و اشکال کاسه ها، جامها و قدحها به خوبی و با دقت اجرا می گردد.»[1]

«این مرحله از توسعه تمدن ما قبل تاریخی ایران بنظر می رسد با هیچگونه جنگ یا تغیر شدید اجتماعی مواجه نبوده است. گیرندگی و تازگی تام ظروف این دوره مربوط به تزئین آنست.

---

[1] همان، ص ۶۸-۶۷.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

کوزه‌گر با خطوطی ساده مخلوقاتی را تصویر کرده است که حاکی از جنبش و وقایع پردازی (رئالیسم) کامل است و تقریباً در همان زمان وی شروع به ساده کردن موضوع های طبیعی (ناتورالیستی) نمود و در راه ایجاد سبکی که در آن غالباً تشخیص موضوع اصلی دشوار است گام برداشت. از این عهد ایران ماقبل تاریخی فنی را در ساختن ظروف آشکار ساخت که همانقدر با روح و زیبا بود که کنده کاری روی استخوان در عهد گذشته. در هیچ جای دیگر نظیر این فن شناخته نشده و هیچ یک از ظروف سفالین نواحی دیگر در آن روزگار دیرین نشانه ای از چنان رئالیسم قوی که با این سرعت به مرحله سبک متخیل رسیده باشد بجا نگذاشته است. این اقدام نخستین بار در حدود سال ٤٠٠٠ ق.م تنها بوسیله کوزه گر ماقبل تاریخی ایران صورت پذیرفت.»[1]

«سنت غنی سفال منقوش ایران باستان در حدود اواخر هزاره چهارم در نقاط گوناگونی ناپدید شده است، اما در اوایل هزاره سوم دوباره ظاهر می شود که این بار اغلب چند رنگ و گاهی یکرنگ با تزئین سیاه روی زمینه قرمز است. بهترین نمونه ها کوزه های بزرگ چند رنگ با تزئینات هندسی و نقوش واقعگرایانه در شوش است.

تصویر انسان نیز در این دوره دیده می شود ولی تا آنجایی که به روشهای فنی و ذوق هنری مربوط است تزئینات سفال منقوش دیگر با سفالهای هزاره پنجم و چهارم

---

[1] گیرشمن، رومن؛ ایران از آغاز تا اسلام؛ ترجمه محمدمعین؛ انتشارات علمي و فرهنگي؛ ١٣٣٦، ص١٥.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

برابر نیستند. در اوایل هزاره سوم در اطراف شمال شرقی ایران به طرف دریای خزر سفال منقوش ناپدید شده است.

در اواخر هزاره دوم سفال خاکستری در شمال غربی و مرکز ایران دوباره ظاهر می‌شود و در گورستانهای زیر زمینی وسیع در تپه سیلک همان رنگی که در خوروین مشاهده شده است دیده می شود.

سرازیر شدن اقوام هند و اروپایی به فلات ایران توقفی در سنت محلی پدید آورد و همراه با آئین تازه واردان در صنعت و سنت سفالگری نیز دگرگونیهایی پدید آمد.

اثاثه تدفینی تازه واردان در سیلک که متعلق به قرن دهم و نهم پیش از میلاد است شامل کوزه هایی از گل پخته بوده که حاکی از گوناگونی اشکال و بویژه فراوانی تزئینات، مهارت و نیروی کار و نقش آفرینی سفالگر است. صنعتگر کوشیده است روی بعضی از کوزه های مذکور نمایی از یک پرنده یا حیوانات مختلف را نشان دهد. این کوزه ها بسیار شکننده بود، و برای استفاده روزانه ساخته می شده اند. ترکیب تزئینات ظروف منقوش تابع شکل ظاهری آنها بوده و تقریباً تمام سطح ظرف را می‌پوشانده است.

علاوه بر طرحهای هندسی و نقوش حیوانات، قرص خورشید و اسب که دو نشانه شناخته شده نزد تقریباً تمام ملتهای هند و اروپایی و در هنر ایرانی مقام برجسته‌ای دارد نیز ظاهر شده است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

در ایـن دوره سـاختن ظـروف بـه شـکل حیوانـات (ریتـون) جـای ممتـازی را در سفالگری داشته است.

هنر سیلک که قـبلاً دارای ویژگـی آرایـش مبتنـی بـر شـکل حیوانـات بـوده، هنـر خوروین، حسنلو و مارلیک را دنبال می کند (قرن نهم و هشتم پیش از میلاد). گـرایش به این هنر که «هنر نقش حیوانات» نامیده شده حالت اولیه خود را حفـظ کـرده و نـزد ایرانیان به حد کمال خود رسیده بوده است. در این دوره صنعتگر تزئین نقوش را رهـا کرده و به تولید سفال یکرنگ (سیاه یا قرمز) نزدیکتر شده است.»[۱]

الف- مناطق مهم باستانی در ارتباط با سفال

سیلک: در سراسر سرزمین ایران یکی از چند مناطقی که نشان دهنده قـدمت تمـدن بزرگ ایرانیان باستان است تپه دوگانه سیلک است. این تپـه دارای لایـه‌هـای مختلـف است که هر کدام از این لایه ها اطلاعات مفیدی در مورد زمان خود به ما می دهد.

«این تپه در پنج کیلومتری شمال کاشان کنار جـاده فـین واقـع شـده اسـت، رومـن گیرشمن به نمایندگی از طرف مـوزه لـوور درسـالهای ۱۳۱۳، ۱۳۱٤ و ۱۳۱٦ شمسـی حفاریهایی در این تپه انجام داد و آثار تمدنی را که آغاز آن هزاره پنجم پـیش از مـیلاد بوده است بدست آورد. به گفته وی تصویر انسان در سیلک بسیار قدیمی تـر از یونـان است.

---

[۱] رفیعی، لیلا؛ سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر؛ انتشارات یساولی، ۱۳۷۷؛ ص۶۹-۶۸.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

گیرشمن تپه سیلک را به ترتیب زیر طبقه بندی کرده است:

طبقه I دارای ۱ تا ۵ لایه

طبقه II دارای ۲ تا ۳ لایه

طبقه III دارای ۱ تا ۷ لایه

از دو تپه شمالی و جنوبی کهنترین محل استقرار انسان در سیلک در طبقه I-۱ در تپه شمالی بوده است که هیچ گونه نشانه و بازمانده ای از معماری و ساختمان از آنجا بدست نیامده است.

از ابتدای طبقه I-۲ بازمانده های دیوار چینه‌ای به ترتیب تا چهار لایه متوالی از I-۲ تا I-۵ مشاهده شده است. جالبترین شیء که در این محل یافت شده پیکره انسانی است ایستاده که اندکی خم شده و پارچه ای دورادور نیمه پائینی تن وی را پوشانده است.

سفال سیلک I شامل خمیری زبر و خشن به رنگ قرمز تیره و تا اندازه ای نازک است که گاه بر اثر عوارض پخت لکه های تیره ای روی آن ایجاد شده است. در تولید سفالهای این دوره برای جلوگیری از خرد شدن و ترک خوردن به هنگام پخت، از تکه‌های کاه استفاده شده است و نقوش ظروف که اغلب به رنگ سیاه است طرحهای سبدبافی را نشان می دهد.

سفال این دوره حدود هزاره پنجم تاریخگذاری شده است. نقوشی که بیشتر بکار رفته لوزیها و خطوط مارپیچ و زیگزاگی است که به رنگ سیاه در داخل بدنه قدحها

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

ترسیم شده است. تمام ظروف این دوره با دست ساخته شده، زیرا چرخ سفالگری هنوز وجود نداشته است. اشکال ظروف بسیار ساده و عبارت است از قدحهای بزرگ و نیم کاسه هایی با پایه های کوچک و ناپایدار.

در اولین دوره سیلک یعنی در طبقه I دو نوع سفال با ساخت همزمان یکی با زمینه یکرنگ و دیگری منقوش، پیدا شده است.

در سیلک II که دوران چشمه علی هم نامیده می شود چینه کشی جای خود را به خشتهای خام می دهد که از کلوخه خاک و با دست تهیه و در آفتاب خشک شده است. سفال سیلک II در مقابل دوره I پیشرفتی آشکار را نشان می دهد به این ترتیب‌که:

۱- ظروف از خاک نرم خالص ساخته شده است.

۲- بدنه ظروف نازکتر شده است.

۳- نسبت کاه در خمیر کمتر شده است.

٤- اشیاء کوچکترند.

در این دوره ظروف سفالین دارای زمینه قرمز آجری و نقوش سیاهرنگ است. به نظر می رسد که سفالهای آخرین لایه های طبقه سیلک II در کوره ای واقعی پخته شده اند. بدنه داخلی قدحها در این دوره کاملاً تزئین شده است. در تزئینات مضمونهای هندسی هنوز برتری دارد ولی اشکال حیوانات بصورت بسیار ساده ای نشان داده شده است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

بز کوهی منقوش بر یک قطعه سفال این دوره به سادگی از دو خط کوتاه خمیده تشکیل شده که به نشانه سر و شاخهای حیوان به بدن آن وصل شده و بوسیله دو نیم دایره متقابل که با نقطه چینها به هم متصل شده اند نشانه گذاری شده است. این تحول در تمدن سیلک شاید با اولین دوره آنو در ترکمنستان بی ارتباط نباشد.

بعد از دوره فوق تپه شمالی متروک شده و تپه جنوبی محل سکونت قرار می گیرد. این تپه که مربوط به طبقه III است به ۷ لایه کوچکتر تقسیم شده است و بیشترین قسمت آن مربوط به هزاره چهارم است.

اولین مرحله استقرار یعنی سیلک III-۱ جز پیشرفتی از دوره قبلی یعنی سیلک II نیست که تمدنی تقریباً همسان با اولین طبقه تپه حصار دارد.

در دوران اولیه سیلکIII-۱ تا ۳ ظروف سفالین هنوز با دست و بدون کمک چرخ کوزه گری ساخته شده ولی در کوره پخته شده است.

سفالهای سیلک III-۱ تا ۳، به شیوه متنوعتری نسبت به دوره قبل آراسته شده اند با وجود این هیچ گونه گسستگی در مسیر پیشرفت صنعت بوجود نیامده و همان اشکال حفظ شده است.

در این دوره‌سفال نتیجه کار صنعتگران متخصص است. چرخ سفالگری یا صفحه‌ای ساده از چوب که روی زمین قرار می گرفته امکان می داد که ظروف در جریان ساخت دور محور خود بچرخند و سپس چرخ سفالگری به معنی واقعی در طبقه III-٤ بکار

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

می رفته است؛ اثر استفاده از چرخ روی ظروف این دوره به خوبی دیده مـی شـود. در این دوره ظروف بیشتر به رنگ زرد کمرنگ است.»[۱]

«در طبقه III-۵ هنر و تصورات هنرمند به بهترین شکل خود تجلی مـی کنـد نقـش انسان در میان حیوانات اهلی مانند الاغ، گاو و گوزن کوهی و نیز یوزپلنگ نمایش داده می شود. در لایه III-٦ برای اولین بار سگ نقش شده است. تا اینجا نقشها نزدیک بـه طبیعتند و نقاش طبیعت و جانوران را آنطور که می بیند نقش می کند اما از این به بعـد اغراق و تجرید به سبک نقاشیهای شوش I وارد هنر سفالگری سیلک مـی شـود شـاخ حیوانات بلند و بلندتر و بدنشان کوچک می گردد و شاخهای اغـراق آمیـز و گسـترده اندام حیوان را در بر می گیرد.

در اینجا هنرمند راه تجرید را می پیمایـد و از نقـش حقیقـی و انعکـاس آن عـدول می‌کند و موضوعات خیالی فکر او را مشغول می دارد. تکامل نقـش در کـوزه‌گـری بـا این تمایل جدید متوقف نمی شود. در لایه III-۷ شواهدی وجود دارد کـه هنرمنـد بـه ترکیبات و موضوعات جدید و تازه ای دست یافته است. گسسـتن از طبیعـت و عـدم وفاداری به آن هنرمند را وادار می کند تا بجای طرح جزئیات طبیعی، فقط بدان اشارتی کرده به جای زندگی لمس شدنی به جواهر اشیاء بپردازد و بـه جـای تصـاویر طبیعـی نمادها را خلق کند.

---

[۱] همـان، ص۱۰۱-۹۹.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

هنر سفالگری ایران در این دوره ماقبل تاریخی تجریدی ترین هنر در نوع خود است. این هنر تجریدی کاملاً از فرهنگ جدیدی که براساس تغییرات زندگی انسانی بوجود آمده الهام گرفته است و احتمالاً انقلابی که در استقرار روستا پدید آمد، منشا آن بوده است. در این دوره هنرمند سیلک دیگر تمایل ندارد بزهای کوهی را در یک ردیف و پشت سرهم نشان دهد بلکه آنها را در چارچوب مخصوصی قرار می دهد و با موضوعات رمزی و تعلیلی فهم و درک صحنه ها را مشکل می سازد.»[1]

شوش: شوش نیز از شهرهای مهم باستانی ایران در دوره طویلی از تاریخ بوده است و چنانکه می دانیم در بسیاری از اسناد کهن تاریخی به نامهای مختلف آمده است. این شهر به دلیل نزدیک بودن به رودخانه و داشتن خاک حاصلخیز مورد توجه اقوام اولیه قرار گرفت و این اقوام مدت چندین هزار سال که هنوز هم ادامه دارد در آن سکنا گزیدند.

«شوش دارای تاریخی بیش از هفت هزار سال است و در ٦٥ کیلومتری جنوب دزفول واقع شده است. زیگورات عظیم و بی مانند چغازنبیل در حدود ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شوش واقع است.

در هزاره پنجم پیش از میلاد در شمال شرقی شوش از یک سو و گرداگرد قریه بزرگ چغامیش از سوی دیگر و نیز دهکده هایی مانند جعفرآباد در شمال شوش تراکم جمعیت به طور تدریجی افزایش یافت.

---

[1] کامبخش فرد، سیف الله؛ سفال و سفالگري در ایران از ابتداي نوسنگي تا دوران معاصر؛ انتشارات قطره، ص٦٦-٦٥.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

حدود اواسط هزاره پنجم پیش از میلاد در این ناحیه یک کارگاه سفالگری وجود داشته است.»[۱]

وجود کارگاه سفال در این منطقه مسکونی نشاندهنده پیشرفت هنر سفالگری در این منطقه است چرا که این هنر در ابتدای امر به صورت هنری خانگی بوده است و تبدیل شدن آن به هنری کارگاهی و وجود کارگاه در آن زمان نشاندهنده اوج اعتلای این هنر در آن برهه تاریخی است.

«شهر باستانی شوش نزدیک ساحل کرخه کنونی و مجاور کارون پایتخت دولت عیلام و سپس مقر عمده داریوش اول هخامنشی و جانشینانش بوده است. نام این شهر در مدارک یونانی سوزیان یا سوزیانا ذکر شده است. در عهد قدیم و کتیبه های میخی، شوش و در ماخذ اسلامی، سوس خوانده شده است. نام شهر شوشن در تورات، در وقایع مربوط به دانیال و در کتاب استر مذکور است.[۲]»

«اولین کسی که حفاریهای شوش را آغاز کرد زمین شناس اسکاتلندی به نام لفتوس وابسته به انجمن بریتانیا بود که بین سالهای ۱۸۵۰-۱۸۵۳ میلادی کاوشهایی در تپه آپادانا انجام داد. سپس ژان و مارسل دیولافوا از سال ۱۸۸٤ تا ۱۸۸٦ میلادی کاوشهایی در آپادانا و اطراف آن انجام دادند. آنها بویژه آجرهای مینایی قصر هخامنشیان را کشف کردند که بسیاری از این آجرها را به موزه لوور انتقال دادند.

---

[۱] رفیعی، لیلا؛ سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر؛ انتشارات یساولی، ۱۳۷۷؛ ص۱۱۹.

[۲] دکتر مصاحب، غلامحسین؛ دایره المعارف فارسی؛ موسسه انتشارات فرانکلین؛ ۱۳٤٥.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

در سال ۱۸۹۱ هیاتی فرانسوی به مدیریت ژاک دمرگان و دومکنم حفاریهایی را در شوش انجام دادند. پس از حفاریهای علمی به سرپرستی دمرگان کشفیات شوش تنها در فاصله دو جنگ جهانی متوقف ماند. سپس حفاریها به دومکنم شاگرد و جانشین دمرگان سپرده شد، و بعد از آن در سال ۱۳۲۵ شمسی به گیرشمن که همزمان به اکتشاف کامل شهر سلطنتی دور- اونتاش (جغازنبیل کنونی) مشغول بود، واگذار شد. وی تا سال ۱۳٤۱ به این کاوشها ادامه داد.

بالاخره هیات نمایندگی باستانشناسی فرانسوی به مدیریت ژان پرو از سال ۱۳٤۸ تا ۱۳٥٤ شمسی با گروه کثیری مشغول کارهای اصلاحی فراوانی شد که از جمله مرمت ویرانه های کاخ داریوش است.

سفالینه هایی که در شوش بدست آمده به دو بخش متفاوت تقسیم بندی شده است:

۱- شوش I ۲- شوش II

سفالی که شوش I نامیده می شود توسط دمرگان در خاک بکر کشف شده است. این ناحیه کهنترین محل استقرار انسان در شوش I شناخته شده است که در آنجا گورستانی با بیش از ۲۰۰۰ گور کشف شده است. از این گورستان زیر زمینی سفالهایی بدست آمده که از شاهکارهای هنری و باستانشناسی خاورمیانه است.

مشخصات سفالینه ها به شرح زیر است:

۱- از خاک رس نرم و خالص ساخته شده است.

۲- دارای اشکالی منظم است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

۳- بدنه های صیقلی، استفاده از چرخ سفالگری را تاکید می کند.

٤- نقوش قبل از پخت روی گل رس خشک و بدون گلابه ترسیم شده است.

۵- رنگ نقوش سیاه شفاف یا سبز، روی زمینه سفید مایل به زرد است.

٦- نقوش هندسی شامل خطوط مستقیم، شکسته یا موجدار، جناغی، صلیب شکسته، مثلث، لوزی و دایره است.

۷- نقوش حیوانات اغلب از مارها، ماهیها، لک لک ها، مرغهای آبزی گردن دراز با پاهای بلند، بزهای کوهی و سگها تشکیل شده است. صنعتگران در ساده کردن اشکال حیوانات بسیار هوشمندانه عمل کرده اند به طوری که خطوط نقاشی را تنها با علامات مشخص با حذف قسمتهای مخصوصی از اندام ترسیم کرده اند. در هیچ منطقه‌ای از ایران نقش حیوانات با این مهارت ترسیم نشده است.

۸- نقوش گیاهی ساده سازی شده و با اسلوب خاصی ترسیم شده است.

۹- نقش انسان به دقت ولی به ندرت بکار برده شده است.»[۱]

«در شوش I هنرمندانی نقاش با خطوط منظم هندسی خانه هایی را تقسیم بندی می‌کردند و نقش بز کوهی موضوع اصلی با اندامی مرکب از دو مثلث که تارک آن در هم ادغام می شدند و بدن جانور و دو شاخ دایره وار او را تشکیل می دادند که در میان سه ضلع مستطیل تا پشت جانور کشیده شده است. جانور دارای دم و ریش کاملاً استیلیزه تصویر گردیده، در میان شاخهایش دایره ای شطرنجی شده و در وسط آن

---

[۱] رفیعي، ليلا؛ سفال ايران از دوران پيش از تاريخ تا عصر حاضر؛ انتشارات يساولي، ۱۳۷۷؛ ص ۱۲٤-۱۲۱.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

سنبله گندم که تمثیلی از زمین زراعتی بارور و گندم است، قرار دارد. هنرمند نقاش با فراهم آوردن این عناصر تمثیلی در ساغر آب به سوی تمایلات باطنی و نیازهای خود که آب، زمین زراعتی بارور، گندم و شکار خوب و فراوان بوده گام برداشته است.

در تقسیم بندی سطوح به دور و زیر دهانه ساغر، پرندگانی با گردنهای دراز و بدنی که از دو خط عمودی، مایل و افقی تشکیل شده است به صورت ردیفی و مکرر ترسیم گردیده اند. این نقش تمثیلی است از نیاز انسان به هزاران پرنده آبی. در میان این دو صحنه تمثیلی، مهاجمان و درندگان در حالتی مشابه حمله و هجوم ترسیم شده اند که نشانی از نیروهای متضاد و خصم در روند آرام زندگی انسان بوده ا ست.

جامهای دیگری نیز وجود دارد از جمله ساغر سفالینی که در سطوح خارجی آن نقش یک کوه سه بار تکرار شده و در میان تلاقی مثلثها برکه آب و نیزاری ترسیم گردیده است. مثلث ها و برکه آب، تمثیل کوهی است که از میان آن چشمه هایی فوران کرده و نیز نشانه گیاه و نبات و خوراک است. اهمیت کوه و آب در افسانه‌های مربوط به آفرینش نیز وجود دارد: کوه از نخستین مخلوقات است که از میان آب های زمین بیرون آمده است. در باورهای اولیه کوه نگهبان و منبع قوای حیات، دارای قدرت تولید چشمه های آب و مظهر حاصلخیزی و باروری بوده است. بز کوهی و جانوران شاخدار تمثیل افسانه حیات و خوراک است. شاخ های مدور و دوایر منقوش به آب و زمین زراعتی و سنبله گندم همه نشانه هایی در بیان حیات و زندگی اند.»[1]

---

[1] کامبخش فرد، سیف الله؛ سفال و سفالگري در ایران از ابتداي نوسنگي تا دوران معاصر؛ انتشارات قفنوس، ص۶۷-۶۶.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

شوش I به تفکیک لایه ها

«**شوش I-الف**: تزئینات بر روی سفال این دوره نشان می دهد که صنعتگر در زندگانی حیوانات دقت کرده و راجع به شکل و عادت حیوانات اطلاعات عمیق داشته است. این تصاویر نماینده سلیقه و ذوق صنعتگر می باشد. غالباً یک خط معنی زیادی در بر دارد و با یک قلم زندگی، شکل و حرکت حیوانی نشان داده شده است. بسیاری از اشکال هندسی همین تصاویرند که به مرور زمان و در نتیجه نمو و ترقی بدین شکل در آمده اند.

گ.کنتنو در فصلی که تحت عنوان «صنعت سفال اولیه» در کتاب بزرگ صنایع ایران دارد معتقد است که اشکال هندسی که در روی سفال مشاهده می شود هر یک معنی مخصوصی دارد. مثلاً خطوط متوازی منکسر که در دایره یا مستطیلی محاطند و یا اینکه در چیزی محاط نبوده و ساده باشند مقداری آب را می نمایند. مثلثی که در درون آن شکل شطرنج رسم شده باشد نماینده کوه می باشد. سطحی که خطوط مایل روی آن رسم شده باشد نشانه زمین زراعتی است. بنابراین مشاهده می شود که این اشکال نوعی از خطوط تصویری است.

بنابراین قبل از آنکه خط حقیقی پیدا شده باشد اشکال و نقوش روی سفال را می‌توان کتب اولیه ایران دانست. اشکال و نقوش حیوانات و طیور که روی سفال دیده می شود ممکن است نتیجه نفوذ صنعت سبدبافی باشد زیرا این اشکال شباهت زیادی

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

به تصاویر حیوانات و طیور روی اشیائی که با ترکه درخت و ساقه غلات بافته می‌شده دارد.

شوش I-ب: ظروف قرمز رنگ شفافی که در نزدیکی شوش بدست آمده جزء سفال این عصر و تحت عنوان فوق قرار داده شده است ولی این ظروف ممکن است نفوذ سفال خارجی را در ایران نشان دهد.

شوش I-ج و د: این دو طبقه را گاهی برزخ بین تمدن قدیم شوش I و شوش II می‌دانند. ظروفی که از این زمان بدست آمده دارای نوعی رنگ صیقلی شده قرمز است و اولین نمونه سفال سازی با چرخ می باشد.

شوش II: بعد از سفال ساده طبقات انتهایی شوش I که به نظر می رسد تحت نفوذ سفال جلگه بین النهرین واقع شده باشد سبک جدیدی در سفال رنگ شده طبقه شوش II ظاهر می گردد. این شیوه جدید شباهت زیادی به نقاشی و تزئینات شوش I دارد و از حفاریهائیکه بعمل آمده این شباهت کاملاً واضح و آشکار می گردد.

سفال این عصر تمام با چرخ ساخته می شده ولی از حیث ظرافت و کار پست تر از سفال طبقه شوش I-الف، که چندین قرن قبل از آن ساخته می شده می باشد. رنگ زرد هنوز بکار می رفته و گاهی این رنگ در برابر آتش کوره به رنگ قرمز مبدل می‌گردیده است. تزئین و نقاشی این سفالها مانند سفالهای قبل برنگ سیاه است و گاهی هم رنگ سرخ دیده می شود.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

تزئین و نقاشی سفال این عصر با زمان گذشته فرق دارد، اشکال هندسی این عصر عبارتست از خطوط منحنی، نیم دایره، مثلث و خطوط متوازی که خطوط عمودی دیگری روی آن نقش گردیده و موضوعهائی که از طبیعت گرفته بهتر از عصر پیش نموده شده است. در بین این تصاویر موضوعهای زیر قابل ملاحظه است. تصویر عقابی با بالهای گشوده که صید خود را به چنگال گرفته، صفهای طیور دریایی، بز وحشی و سایر حیوانات کوهی.»[۱]

«نقوش هندسی این طبقه عموماً شامل خطوط عمودی، افقی، منحنی، شکسته، متقاطع یا موجدار و نیز نقوشی مانند مثلث، لوزی، چهارخانه و نیم دایره است.

روش نقوش تزئینی شوش II تقلیدی از شوش I است ولی در شوش II اغلب نقوش شامل یک یا دو پرنده بر روی شانه ظروف اضافه کرده اند. نقش انسان بر روی ظروف در این دوره تغییری نکرده است.»[۲]

تل باکون: اگرچه ممکن است تل باکون از نظر اهمیت تاریخی قابل مقایسه با مناطقی چون سیلک کاشان و شوش نباشد اما نقوش بکار رفته بر روی سفالهای این منطقه گویای وجود تمدنی بزرگ در این ناحیه است.

«در سال ۱۳۰۷ شمسی هرتسفلد شروع به کاوش دو تپه در مرودشت شمال شرقی شیراز واقع در ۲ کیلومتری جنوب غربی تخت جمشید کرد که هنوز نام مشخصی

---

[۱] دکتر ویلسن، ج.کریستی؛ تاریخ صنایع ایران؛ ترجمه عبدالله مزیار؛ انتشارات فرهنگسرا، ص۲۱-۱۷.

[۲] رفیعی، لیلا؛ سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر؛ انتشارات یساولی، ۱۳۷۷؛ ص۱۲۸-۱۲۷.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

نداشتند. وی مجدداً در سال ۱۳۱۰ همراه با لنگسدورف کاوشهای خود را از طرف موسسه شرقی دانشگاه شیکاگو ادامه داد و آنها این تپه را تل باکون B,A نامیدند.»[۱]

«اگر چه مایه اصلی نقش ها در تل باکون تمنیات و نیازها و ترس از نیروهای متضاد است اما در بسیاری نمونه ها موضوع زیبایی در عین صراحت و سادگی ترسیم گردیده است. خطهای موازی و هندسی در حاشیه ها بر قوت نقش ها و توازن و تضاد متن‌ها می‌افزایند. با این حال نقش گوزن به عنوان مرکز قدرت زندگی نتیجه تکامل یک عقیده ابتدایی در مورد گاونری است که طبق افسانه های دینی کهن از ریختن خونش گیاهان سودمند خواهند روئید.»[۲]

«از تپه A، طبقه ۱ تا ٤ سفالهایی بدست آمده که تماماً تزئین شده و همزمان با تمدن پیشرفته طبقه I شوش است. تعداد زیادی قدحهای مخروطی شکل بدست آمده که روی بدنه بیرونی یکی از آنها دو بز کوهی با شاخهای بسیار بزرگ که از نظر اندازه با بدن حیوان تناسب ندارد دیده می شود، ولی گاهی فقط شاخها بدون بدن حیوان نقش شده است. نقوش این ظروف به سادگی ظروف نواحی دیگر نیست و دارای خطوط پیچاپیچی است که این پیچیدگی در نقوش هندسی زیادتر به چشم می خورد.

نقوش حیوانات به صورت مضمونهای ساده تزئینی رسم شده است. در ظروفی نیز نقوشی کاملاً هندسی مانند: مربع مستطیل، چهارخانه و صلیب مالت[۳] مشاهده می شود.

---

[۱] همان، ص۱۳٦.

[۲] کامبخش فرد، سیف الله؛ سفال و سفالگري در ايران از ابتداي نوسنگي تا دوران معاصر؛ انتشارات قطنوس.

[۳] صليبي كه چهار بازوي آن مساوي است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

علاوه بر این نقوش گل و گیاهی، پرندگان و هلال ماه نیز دیده می شود. نقش انسان نیز بر روی تعداد معدودی از ظروف رسم شده است.

سفالهای تپه A، طبقه ۵ به رنگ قهوه ای تیره یا قرمز مایل به قهوه ای است. سفالهای قرمز بدون نقش نیز از این طبقه بدست آمده است.

از تپه B-۲ نیز تعداد زیادی سفال رنگین بدست آمده است. سفال تل باکون از نظر قدمت همدوره شوش I و شاید متعلق به نیمه اول هزاره چهارم پیش از میلاد است.

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

۳- چگونگی شکل گیری نقوش تزئینی (آرایه های حیوانی) بر سفال

نقوشی که امروزه بر روی سفالهای دوره های مختلف تاریخی مشاهده می کنیم حاصل شکل گیری در یک دوره یا منطقه خاص نیست و دارای سیر تاریخی خود در هر دوره و منطقه خاص می باشد در مورد این مساله که این نقوشی که در تمدنهای مختلف و در زمانهای مختلف تکامل یافته است چگونه و با چه انگیزه ای بر روی سفال آغاز گشته و ادامه یافته است و ادامه آن به سمت و سویی ویژه بوده است نظرات مختلف وجود دارد و افراد مختلف به گونه های مختلف اعم از اینکه این نقوش با توجه به طبیعت ایجاد شده است یا برای ارضاء نیازهای روحی و معنوی انسان آن هم با انواع خود طرح شده است یا برای برطرف کردن نیازهای جسمی بوده است نظر می دهند.

آقای جلیل‌ضیاءپور در کتاب نقوش تزئینی ایران زمین چنین می نویسد: «در زندگی افراد مبتکر دقایق و مواقعی است که به ایجاد طرح و شکل دست می برند و با نوک قلم شکلهای آشنا و مکرر بوجود می آورند و از این راه به شکلهای تازه راه می یابند زیرا از راه تکرارها و خطوط هرز کشیدن یا خطوط موازی و متقاطع بوجود آوردن میان آنها را نقطه گذاری کردن، نقطه ها را پهلوی هم و یا دور از هم قرار دادن شکلهای تازه بوجود می آید.

بشر اولیه از آنگاه که چشم به طبیعت دوخت و به اطراف خود نظر انداخت چیزهای زیادی برای طرح کردن اندوخت. خاطرات زیادی داشت که آنها را می‌بایست

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

بازنویسی و یا شکل سازی کند و همانند زینت گری از هر خط راست یا کج الهام بگیرد و آنها را برای خوش آیندی چشم در جایی مناسب کار بگذارد و به نحوی مطبوع ترکیب بندی کند.شاید مناسب ترین وسیله زینت گری پس از آرایش هیکل و سر و صورت کوزه‌های گلی و سفالی بوده باشند.

خطوط راست و کج یا موازی و متقاطع کشیدن، هاشور زنی و نقطه گذاری شاید ابتدایی ترین شکل زینت گری بوده باشد زیرا هم ساده ترین شکلها را داشته و هم مناسبترین نمونه مکرر سازی و بدست آوردن مهارت در این راه بوده است.

در نقش اندازیهای بشر اولیه تا زمانی که با تمرینات زیاد در طرح‌ریزی مهارت پیدا نکرده بودند خطوط ساده و منکسر و متقاطع همچنان تنها نقوش زینتی بوده است. طراحان بر روی سفال کم کم شروع به گرفتن ایده از طبیعت اطراف خود کردند خطوط مواج را از امواج آب برگرفتند و نقوش گیاهی را در طراحی های خود بکار بردند.»[۱]

همانطور که مشاهده می کنیم این نگارنده بزرگ کشورمان چنین اعتقاد دارد که نقوش در ابتدا به صورت هندسی و ساده توسط هنرمند که هنوز مهارت لازم برای کشیدن خطوط منحنی نداشت ایجاد شد و سپس طرحهای گیاهی و بعد از آن نقوش حیوانی طراحی شد. البته نظرات در مورد این مساله مختلف است.

---

[۱] ضیاء پور، جلیل؛ نقوش زینتی در ایران زمین؛ انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ص۶-۵.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

خانم لیلا رفیعی در کتاب خود «سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر» در این مورد چنین می نویسد:

«ماتیو سرپرست قسمت سفال در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن عقیده دارد که: «ترسیم نقوش طبیعی مانند حیوانات گیاهان و انسان بعد از تزئین هندسی پدید آمده است.»

اما کنتنو معتقد است که:« صنعتگر نخست با رسم هرآنچه در جلوی چشم داشته شروع به طراحی کرده و در حالیکه قادر به دیدن انواع حیوانات و گیاهان بوده است دست به ترسیم آنها زده، اما نقوش هندسی برخاسته از ذهنیت صنعتگر بوده است.»[1]

چنین هم به نظر می‌رسد که نقوش ابتدا به صورت ساده و هندسی بکار رفته اند زیرا نقوش منحنی و حیوانی و گیاهی نیاز به مهارت دارد و هنرمند تا قبل از کسب این مهارت قطعاً به نقوش ساده تر می پرداخته است که نقوش هندسی می تواند از جمله این نقوش ساده باشد.

«براثر مهارت طراحان سفال و آشنایی چشم آنان به تناسبات شکلها یا بر اثر ایجاد تنوع بیشتر و نوخواهی و عدول از تکرار، حیوانات نیز در تزئینات ظروف سفالی وارد شدند و در ظروف بسیاری دیده شده اند که انواع و اقسام چهار پایان در ترکیب بندیها داخل شده و با همان نظامی که خطوط داشتند حیوانات نیز به ردیف در آمده اند یا به صورت بارزی عرضه شده اند.

---

[1] رفیعی، لیلا؛ سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر؛ انتشارات یساولی، ۱۳۷۷؛ ص۱۲۶.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

طرح بعضی از ظروف مکشوفه از سیلک نماینده خوبی برای نحوه ترکیب بندی حیوانات بر روی سفالهای ماقبل تاریخی است و نشان می دهد که چگونه طراحان سفال در نظام و ترکیب دادن درست و پر کردن جا خالی ها دقت داشته اند.»[۱]

نقوش حیوانی نیز همچون سایر نقوش دارای انواع اجرا بر روی سفال می باشد. نقوش می توانند بصورت هندسی و ساده و با کمک خطوط مستقیم، شکسته و متقاطع طراحی شوند این گونه طراحی نقوش حیوانی مربوط به دوره خاصی از تمدن بشری است و احتمالاً مربوط به زمانی که طراحی نقوش هنوز پیشرفت نکرده بود.

در مرحله دیگری خطوط منحنی بکارگرفته شد و نقوش رفته‌رفته به سمت واقعی‌تر شدن حرکت کرد تا اینکه سرانجام شاهد ورود جزئیات به نقوش هستیم. در این زمان هنرمند با نگاهی دقیق تر به طبیعت توجه می کند و در طراحی نقوش پیش از هر چیز دیگری به شکل، فرم و ظاهر نقوش می پردازد که هرچه بیشتر واقعی جلوه کند. هنرمند در مواردی با توجه به محل قرارگیری نقش بر روی ظروف سفالین کوچک و بزرگ توجه خود را بر روی جزئیاتی از نقوش متمرکز می کند که می تواند با اندکی تغییر و کوچک و بزرگ کردن آن حالتی زیباتر به آن ببخشد.

«چنانکه در شکل (۱۰) دیده می شود دم پلنگ به علت شاخص بودن در اندام حیوان جای کافی در ترکیب بندی یافته و هیات مخصوصی به آن داده شده است و

---

[۱] ضیاء پور، جلیل؛ نقوش زینتی در ایران زمین؛ انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ص۲۲٤.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

سر حیوان که در هیکل آن غالباً همسان با اعضای سرشانه است و نمایش چشمگیری به مانند درازی دم ندارد به حساب نیامده و طرحی ندارد.

چنین حسابگری در ترکیب بندی دلالت بر دقت نظر در تزئینات دارد و باید دانست زمان و مشعر هنری کافی لازم است تا به این درجه از توجه به هنر تزئینی رسید.»[۱]

در ادامه این راهی که هنرمندان برای تزئین انتخاب کردند یکی دیگر از روشهایی که نقوش برای تزئین بکار رفت و این روش بیش از سایر انواع طراحی با ذهن هنرمند درگیر بود استیلیزه کردن یا خلاصه کردن نقوش بود بدین معنی که هنرمند تمامی جزئیات نقش را بتدریج حذف می کند و آنقدر این کار را ادامه می دهد تا به اصل و ماهیت وجودی نقش برسد و همچنین هنرمند در مواقعی نقوش را به صورت نماد و سمبل برای بیان معنی خاص بکار می برد و با این فکر تغییرات لازم را در نقش پدید می آورد.

www.kandoocn.com

[۱] همان، ص۲۲٤.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

٤- مفاهیم نقوش حیوانی در سفالینه های کهن ایران

رشد و اعلائی سفال ایران در دوران باستان نشاندهنده عظمت تمدن ایرانیان پیش از تاریخ است. در زمانی که بسیاری از انسانها در سایر نقاط کره زمین در عصر غارنشینی و دوران ابتدائی تر بسر می بردند ایرانیان بدان درجه از فرهنگ و تمدن رسیده بودند که ظروف سفالین می ساختند و در تکاملی بیشتر این ظروف را همچون کتاب تزئین می نمودند تا به مقاصد خود اعم از ارتباط یا بیان احساسات و اعتقادات و غیره برسند.

آقای دکتر غلامعلی خاتم در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش و نماد در سفالینه های کهن ایران» در مورد مفاهیم نقوش چنین می گوید:

«آنچه که هنر و فرهنگ یک ملت را از آغاز نشان می دهد، تنها اعتقادات و نگرش او به جهان پیرامونش است. آثار بزرگ هنری در طول قرون متمادی براساس این نگرش استوار بوده و عدم آگاهی در این زمینه تنها باعث می شود که از زیبایی این هنر لذت نبریم، در حالی که هر خط فرم و شکل برای خود مفهومی دارد و چه زیباست هنگامی که به اندیشه سازندگان این آثار پی ببریم و از آن جایی که اصالت و عظمت یک قوم و فرهنگ آن مستقیماً در هنر آن جلوه می کند باید بگوییم هنرهای دستی نمایشگر فرهنگ و تمدن هر قوم بوده و با تاریخ هنر ملت ها، پیوند ناگسستنی دارد.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

آشنایی با فرهنگ و باروها و سنت ها از طریق مطالعه نقوش نمادین در هنرها امکان پذیر است. زیرا که بیش تر نقوش و تصاویر سرشار از مفاهیم هستند. برای درک این مفاهیم ضرورت دارد که تمامی علایم و نقوش که در آثار هنری و تاریخی دارای ویژگی نمادین هستند شناسایی شود. نمادهای به کار گرفته شده در آثار هنری و تاریخی ایران اغلب بر مسایل آرمانی و اعتقادی مردم تکیه دارد.»[۱]

ایرانیان همیشه انسانهای آرمانگرایی بوده اند و در طول تاریخ هیچگاه این ویژگی خود را از دست نداده‌اند و البته این امتیاز بزرگی برای پی بردن به زندگی آنان در طول تاریخ با کمک ابزاری است که آنها آرمانهای خود را بیان کرده اند و یا برای انتقال این آرمانها از آن ابزار استفاده کرده اند و در این میان نقوش روی سفالها از بزرگترین اسناد در این مورد است که می توان مورد بررسی قرار داد.

«فرهنگ پیوسته ایران از دیر باز به باورها، داستان ها و اسطوره هایی مربوط شده که هر کدام مبین نیازی خاص و بازتاب آرزویی ملی و جهت یافته بوده است. افسانه و اسطوره‌ها به عنوان جلوه ای از فرهنگ، با خلاقیت قوی رابطه مستقیم داشته و مراد از این خلاقیت در این جا چیزی در حدود نوعی آفرینش هنری است باید بگوییم اسطوره نخستین بخش از تاریخی شفاهی و غیر مدون و نخستین وسیله برای بازگویی جهان بینی انسان به شمار می‌رفته است، اسطوره با رمز و راز همراه است، و نقوش اسطوره همیشه به عنوان سرفصل کتاب نقش بخشی از فلسفه نقش را به خود

---

[۱] دکتر حاتم، غلامعلي؛ فصلنامه هنر، شماره ۲۸، بهار ۱۳۷٤، ص ۳۷۸-۳۵۵.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

اختصاص داده است. شاید خطا نباشد اگر بگوییم، اسطوره و هنر دو روی یک سکه‌اند و در خاستگاه و هدف مشترک هستند.

آنچه این دو را از هم جدا می کند، یکی نحوه ارایه و به اصطلاح ظرف بیان آنهاست و دیگر این که پدید آورنده اسطوره خلاقیت جمعی و عامل پیدایی اثر هنری آفرینش فردی است. حال آن که در غایت و هدف هر دو به جامعه و فرهنگ تعلق دارند. هنر و افسانه هر دو در موقعیتی متولد می شوند که ذهن هنرمند و افسانه پرداز آزادانه بتواند حرکت کند و قیدها و محدودیت ها آن را از جریان طبیعی خویش منحرف نسازد.

مهارت واستادی انسان‌های پیش از تاریخ در ساختن ظروف سفالی خود شگفت‌آور است. نمی دانیم آغاز سفالگری چگونه بوده است و ممکن است آموزگار انسان برای این هنر، مشاهده این منظره بوده است که می دیده هنگام راه رفتن در گل رس آبی که در جای پایش باقی مانده فرو نمی رفته است، نیز ممکن است قطعه گلی برحسب تصادف نزدیک آتش قرار گرفته و پخته شده و انسان از مشاهده آن به فکر کوزه‌گری افتاده باشد و گل رس را، که به هر صورت در می آید و مطیع دست انسان است به اشکال مختلف در آورده با آفتاب با آتش خشکانیده و به این ترتیب هنر کوزه گری را آغاز کرده باشد.

شک نیست که انسان هزاران سال خوردنی ها و آشامیدنی های خود را در ظرف‌های طبیعی مانند کدو و نارگیل و صدف های دریایی محفوظ نگاه می‌داشت پس

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

از آن به فکر ساختن کاسه ها و ظروف سنگی و چوبی افتاده و با ترکه و الیاف گیاهی سبد و زنبیل می بافته. پس از پی بردن به خاصیت گل رس، توانسته است برای خود ظرف هایی بسازد که مقاومت و دوام بیش تری داشته باشند به این ترتیب انسان به یکی از حرف و صنایع بسیار اساسی در زندگی دست یافته است.

سفال یکی از دیرینه ترین هنرهای ایرانی است کاوش های باستان شناسی در نقاط مختلف ایران قدمت سفالگری را به حدود ده هزار سال پیش می رساند هنرمند سفالگر بهترین نوع سفال را با دستی که هنر را در خود ذخیره داشت می ساخت گل بی شکل را شکل می داد و به صورت پدیده ای جذاب در می آورد پدیده ای که ذوق و هنر و قدرت و اندیشه صنعتگر پشتوانه آن است. چرخ کوزه گری در هزاره چهارم قبل از میلاد در ساختن ظروف نقش مهمی به عهده می گیرد این اختراع تحول عظیمی در این هنر به وجود آورد.

با بودن چرخ سفالگری تولیدات زیاد شده و فرم های بیشتری با نازکی بیشتری تهیه شده است و با پیدایش چرخ این هنر رونق می یابد و کوره های سفالگری زیادی بر پا می شود.

رنگ سفال ها ثابت می شود و فقط با تغییر درجه حرارت است که سفال نخودی رنگ تبدیل به قهوه ای براق می شود.

بیشتر سفالهای پیش از تاریخ نخست با نقوش هندسی و تزئینی جلوه گر می‌شود و پس از مدتی نقش حیوانات معمول گشت و زمانی بعد هنرمندان برای بیان اعتقادات و

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

گاه برای بیان وضعیت محیط و زندگی و روایت کردن موضوع خاصی را به کار می‌بردند و کلیه خصایص زندگی اعم از مذهبی اخلاقی و هنری را با نقش بر سفال می نشاندند.

این تحول در تمدن های پیش از تاریخ ایران دیده می شود از اکتشافات تپه سیلک در کاشان، تپه حصار در دامغان، تپه کیان در نهاوند و شوش و دیگر تپه های باستانی چنین بر می آید که از هزاره پنجم قبل از میلاد، ساکنان این نواحی به ساختن ظروف سفالین منقوش می پرداختند.

نقوش یادآور باورها و اعتقادات مذهبی و فرهنگی هستند. این نقش و نگاره های مختلف در ظروف سفالین منقوش چنان با روح و زیبا در بدنه ظروف منقش شده اند که شاید در دیگر تمدن ها بی نظیر باشد. هنرمند سفالگر پیش از تاریخ ایران با نقاشی روی سفالینه ها گویی شعر می آفرید. جای تعجب است که این هنرمندان عامی چه سان این همه نقش و نگارهای پررمز و راز آموخته و به کار گرفته اند وجود این نقاشی های متعدد نشان از تعدد افکار دارد و کاربرد هر یک از نقش ها در ارتباط با عقیده و باور خاصی بوده است و آنچه که در نگاه اول نظر بیننده را جلب می کند آمیزه ای از طرح‌ها و نقوش چشم نواز و دلنشینی است که در این سفالینه ها تجلی کرده و گوشه‌هایی از هنر ایران را به نمایش گذاشته است به احتمال قوی ایران زادگاه

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

اصلی ظروف منقوش بوده است. این ظروف که از گل رس بوده گاه به رنگ قرمز اما گاه به رنگ های دیگری چون نخودی و خاکستری نیز دیده می شوند.»[۱]

بوجود آمدن رنگهای مختلف در سفال بعد از پخت دلایل مختلف دارد که از آن جمله می توان به درجه حرارت متفاوت در هنگام پخت در کوره اشاره کرد. از دلایل دیگر می توان وجود انواع اکسیدهای فلزی در خاک را مطرح کرد که خود وجود اکسیدها با درصدهای مختلف باعث ایجاد رنگهای متفاوت بعد از پخت سفال می‌شود.

انسانهای پیش از تاریخ هم به این دلیل که در مناطق مختلف زندگی می کردند و خاکهای مناطق مختلف دارای اکسیدهای گوناگون می باشند سفالهایی می ساختند که در بسیاری موارد رنگهای متفاوت می دانستند.

«مردم فلات ایران پس از آشنایی با نقاشی روی سفال در آغاز از خطوط هندسی که شاید همان نقش سبد الهام بخش آنها بوده است استفاده می کردند و سپس رفته رفته تقلید از طبیعت جای خطوط هندسی را گرفت و نقاشان بر روی آن ها گل ها و گیاهان و یا حیوانات را نقاشی کردند دیری نپایید که این شیوه به سبب ذوق هنری و ابداع ابتکار و دگرگون شد و نقاشی به سبک طبیعی و برابر آنچه که در طبیعت وجود داشت نتوانست ذوق لطیف هنری انسان های هنرمند زمان را تسکین بخشد و آنها هم به مانند نقاشان روزگار ما به دگرگونه سازی طبیعت و موجودات و اشیای موجود در

---

[۱] همان

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

آن پرداختند سفالگر نقاش با استفاده از عناصر بصری ساده اشیاء و حیوانات و انسان را می‌نمایاند.

«مثلاً خطوط مواج موازی در داخل یک دایره و مستطیل مقداری آب را نشان می‌دهد، مثلثی که سطح آن چهارخانه بندی شده مبین کوه است، مربعی که با خطوط افقی و عمودی تقسیم و یا خطوط مواج در آن ترسیم شده احتمالاً نشانه زمین زراعتی است. جانوران منقوش روی ظروف عمدتاً عبارتند از: بز، قوچ، گوزن، پرندگان و... . اما برخلاف نقاشی غارها، در این جا شکل واقعی حیوان مورد توجه نبوده بلکه طرح خلاصه و اغراق شده آن مطرح است. زیرا که آرایش سفالینه اهمیت خاصی را در کار سفالگر و نقاش کسب می کند او به طور دلخواه شکل طبیعی را به شکل تجریدی تبدیل می کند تا بدین ترتیب مقاصد تزیینی خود را برآورده سازد. بسیار دیده شده که از یک حیوان فقط یک عضو از اعضای بدنش روی سفال نقش زده شده است با وجود این که دنیای پیرامون و به خصوص مظاهر طبیعی را منعکس می ساختند ولی از واقع گرایی فاصله داشته اند. برای هنرمند گذشته هر احساسی نسبت به اجسام و اشیای اطراف می توانست الهام بخش به وجود آمدن نقش های گوناگون باشد زیرا که ترسیم نقش و نگار به عنوان یکی از راه های ارتباط با همنوعان خود بوده است و از طریق استفاده از خطوط و جان دادن به آنها ارتباط خود را حتی با آیندگان برقرار ساخته اند.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

انتقال پیام از طریق تصویر به شکل های گوناگون از قدیم ترین ایام، یعنی از زمان انسان غارنشین وجود داشته است. قبل از اختراع خط انسان اولیه منوبات و مشاهدات خود را بر دیواره غارها نقش می کرده و آنچه را که می خواسته با طبیعت سازی کامل به دیگران می فهمانیده است همین نقوش مقدمه اولین خط تصویری ایدئوگرام و یا هیروگلیف و اندیشه نگاری بوده است باید گفت که نقوش روی سفال های پیش از تاریخ در واقع خط و نوشته مردم آن روزگار بوده است.

بعدها نیز از خلاصه شدن و شکل گرفتن این نقوش خطوط اولیه به وجود آمده و امروزه همین یادگارها شناسایی تمدن ها را آسان تر نموده اند سفال برای مردم دوران دور دست امانت دار و نگه دارنده پیام آنان بوده است. این نقوش زیبا و دلپذیر گویای این است که صورتگر سفال ها را تنها از حیث یک وسیله برآورنده نیازهای عادی نمی‌نگریسته بلکه آنها را بهانه ای برای بقای پیام خود می دانسته و به آن به مشابه هنری می‌نگریسته است به هر حال بعضی از باستان شناسان تصور می کنند که این نقوش مفاهیمی دارند و چیزی شبیه به خطوط هستند زیرا که؛ هنرمندان سفالگر و نقاشان آن هیچ گاه قانع و پایبند یافته های خود در زمینه نقش و رنگ و شکل نبوده و پیوسته در پی نوجویی و ابداع روش های تازه در این زمینه بوده اند.

در این نوجویی الگوی کار آنها بازهم طبیعت بود این هنرمندان، گوبابه دنبال گمشده‌ای بودند که در همان هنگامه پیدا شده و آن خط تصویری بود. دکتر جرج کنتو

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

در کتاب «صنایع ایران» تحت عنوان «صنعت سفال اولیه» می گوید نقوش روی سفال را می توان کتاب های اولیه ایران زمین تصور کرد.»[۱]

سفالگر پیش از تاریخی که این نقوش را بر روی سفال صورت می بخشید در راه تجریدی کردن و استیلیزه کردن نقوش چنین فهمید که می توان بجای صرف وقت بر روی نقوش و پرداختن به جزئیات یک نقش طرح را به صورتی ساده اما گویا و پر معنا بر روی سفال منتقل کرد به طوری که هم تمایل درونی هنرمند ارضاء گردد و هم پیام نقوش به خوبی منتقل شود و در بیشتر موارد ترکیب بندی زیباتر از طرح واقعی جلوه می کند. دکتر آرتور اپهام پوپ در کتاب «شاهکارهای هنر ایران» در مورد نقوش روی ظروف چنین می نویسد:

«سفالینه های منقش ها قبل تاریخ که ساختن آنها در آسیای غربی مدتها بیش از ٤٠٠٠ ق.م آغاز شده بود نخستین کتاب بشر بشمار می آید زیرا که طرح و نقش این ظرفها اگرچه جنبه تزئینی آنها اساسی بود برای سازندگان و کسانی که آنها را به کار می بردند بسیار بیش از تزئین اهمیت داشت. این نقوش بیان بیمها و امیدها و علائمی برای استعانت از قوای طبیعی در مبارزه دائم وحشتناک حیات است.»[۲]

وی در ادامه به لیوان مکشوف در شوش می پردازد که در بخشی دیگر خواهد آمد.

دکتر غلامعلی حاتم در قسمتی دیگر از مقاله خود چنین می آورد:

---

[۱] همان

[۲] ابهام پوپ، آرتور؛ شاهکارهاي هنر ايران؛ اقتباس و نگارش دكتر پرويز ناتل خانلري، موسسه انتشارات فرانكلين، ص۹.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

«هنر سفال سازی پیش از تاریخ ایران، به ویژه در سیلک کاشان به حیوانات شاخدار به منزله موجوداتی مقدس می نگریستند و آنها را مورد احترام قرار مـی دادنـد. عمومـاً در ملل مختلف نقش شاخ حیوانات مورد احترام بوده است و ارتباطی مابین شاخ هـای حیوانات و افکار انسان ها به وجود آمده و آن به تدریج مبـدل بـه ارتبـاط ناگسسـتنی مابین بشر و جهان بالا گردیده است و از این جهت بشر هنگامی که می خواست بـرای قهرمان خود شخصیتی فوق العاده و غیر عادی قایل شود وی را با شاخ نشان می داد و این موضوع را در هنر خود منعکس می کرد. حیوانات شاخدار برای مردم باستان عزیـز و مقدس بوده است حتی در آیین زرتشت نیز حیوانات شـاخدار را عزیـز مـی داشـتند چنان که در کرده فصل ۲، ۸ و ۹ بهرام یشت در سرودهایی که زرشت سرباز پیـروز را تعریف می کند می گوید:

«نیروی اهورایی در کالبد گاو نر زرین گوش، شاخ طلایی و قوچ دشتی زیبا و شاخ پیچیده و گوزن جنگلی تیز شاخ در می آید.» هم چنین روی سفال ها به کثـرت دیـده شده است که بعضی از اعضای حیوان به خصوص شاخ آن به صـورت مبالغـه آمیـزی بزرگ، بلند و نازک شده و در سر تا سر ظرف می پیچد. شاید منظور از استیلیزه کردن اعضای بدن و یا شاخ ها علاوه بر این که بشر بدین وسیله می خواهد آنان را تصاحب نماید عقیده دیگری نیز دخالت داشته و آن نشان دادن قدرت های والا و به ویژه قوای معنوی به وسیله هر چه بزرگ تر نمودن شاخ هاست. در برنزهای لرسـتان نمونـه‌هـای فراوانی از انسان شاخدار دیده مـی شـود هنرمنـد بـرای ایـن کـه قهرمـان خـود را بـا

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

شخصیت‌تر باهوش تر نابغه تر و جنگجوتر نشان دهد برای وی شاخ هایی تعبیر کرده است این افکار هرگز تا قرون جدید از بین نرفت و افکار غربیان را نیز تحت تاثیر قرار داد.

به طور کلی در نقوش بافته شده یک خط اسطوره ای در ارتباط با نیازهای عاطفی انسان ساکن این منطقه از طرفی- و از طرف دیگر در ارتباط مستقیم با نیازهای ضروری زندگی روزمره را می توان پی گیری کرد. با مطالعه این گونه نقوش در می‌یابیم که طرح و نقش گاه وسیله و یا اشاره ای برای بیان موضوع و مطلبی بوده است. مثلاً هرگاه هنرمند قصد داشت راجع به شکار حیوانات گفت و گو کند، جسد حیوان را رسم می کرد و کنار آن انسانی را که در حال کشیدن تیر از کمان است قرار می داد.

به هر حال ظروف سفالین مکشوف در نقاط مختلف ایران نقوش بسیار جالب و متنوعی از موجوداتی که در برابر چشم هنرمندان بوده برای ما به یادگار گذاشته اند. تصور می رود که هنرمند نقاش از کار خود لذت می برده و با نقش زدن بر بدنه ظروف احساس هنری خود را ارضاء می کرده است. از این پس هیچ لیوان و هیچ ظرفی در دست گرفته نشد مگر آن که نقشی از حیوان مورد احترام و یا گیاه مورد توجه در آن دیده می شد. یعنی این هنر وسیله ای به شمار می رفته است.

این برگرفته از رمز و رازی است که به این سادگی به دست نیامده بلکه هر یک تفسیر و تعبیر نیاز دارد. و بدین گونه است که هنر غنی ایران شکل می گیرد و هنرمند

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

گمنام، تفکرات خود را در قالب هنر پیاده می کند هنر وقتی آغاز می شود که انسان به فکر تزیین می افتد و شاید نخستین مرحله که انسان این احساس خود را در آن تجلی داد، مرحله سفال سازی و نقش های گوناگون در روی آن بود.

سفالگر سفالینه ساز، در این نقش آفرینی جایی از کاسه و کوزه را بی نقش نمی‌گذارد. هر گوشه ای از سینه ظروف سفالینی را به نقشی می آراید. سفالگر، گل را مطیع دست خود می کند و از آن هر شکلی که می خواست در می آورد.»[1]

دکتر پوپ در کتاب «شاهکارهای هنر ایران» در مورد لیوان مکشوف در شوش و نقوش روی ظروف به تفصیل چنین می گوید:

«لیوان مکشوف در شوش علامت کوهی را نشان می دهد که سه بار تکرار شده و میان هر دو قله آن ایرانی است که چهار نی از آن روئیده است.

از زمانهای کهن کوه اهمیت مذهبی بزرگی داشت. در قدیمترین افسانه های مربوط به آفرینش کوه را مخلوق نخستین دانسته اند که مانند نقوش لیوان شوش از میان دریاهای دوره اول بیرون جسته است. کوه در عقیده ملت های ابتدائی نگهبان و منبع قوای حیات و خودداری نیروی تولید و سرچشمه زندگی و مظهر حاصل خیزی و فراوانی بوده است. در نقش شوش نی هایی که دریای کوه روئیده اشاره ای به تائید آب در رویاندن گیاهان است.

---

[1] دکتر حاتم، غلامعلي، فصلنامه هنر، شماره ۲۸؛ بهار ۱۳۷٤؛ ص ۳۷۸-۳۵۵.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

بز کوهی و جانوران شاخدار دیگر نیز چنین نیروی جاودانه ای دارند. به احتمال قوی در آغاز میان شاخهای خمیده و هلال ماه ارتباطی متصور بوده است، از جانب دیگر ماه از زمانهای بسیار قدیم با باران مربوط شناخته می شده چنانکه در مقابل آن خورشید در نظر مردم باستان با گرما و خشکی ارتباط داشته است.

بنابراین شاخ در نزول باران موثر شمرده می شد و این وابسته آب به طور برجسته‌ای روی این ظرف جلوه داده شده است و قرص ماه که در میان شاخها قرار گرفته گوئی مخزن آب را در بر دارد. با توجه به این رویکرد مذهبی و جادوئی می توان دریافت که چرا نقش جانوران شاخدار در هنر ایران و خاصه روی سفالهای منقش کهن پیوسته تکرار می شود و با این صداقت و قوت در نمونه های خوب این هنر جلوه‌گری می کند.

نقش مرغان درازپا که در مردابها زندگی می کنند باز اشاره ای به اهمیت آب است که برای حیات آنها ضروری است و در بعضی ظرفهای دیگر در حاشیه شکل سگان شکاری دراز اندام در حال دویدن خطی مارپیچی است که نشانه آب مواج است و این علامت که از قدیمترین زمانها در خط تصویری برای اشاره به آب بکار رفته است چون ممرر و موازی کشیده شود از آبدان ماه حکایت می کند.

دکتر کنتنو سالها بیش از این نخستین بار اظهار کرد که نقشهای ظروف سفالی دوره کهن را باید نخستین کتاب جهان دانست دکتر گیرشمن این نکته را اظهار می کند که نقوش این ظرفهای سفالی متعلق به دوره ایست که بی فاصله قبل از زمان اختراع فن

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

کتابت در بین النهرین قرار داشته و قسمتی از آنها نیز معاصر این زمان بوده است و شاید از طریق فراهم آوردن مجموعه ای از نقوش و علامات حاکی از معانی، این اختراع را تسهیل کرده باشد.»[1]

دکتر حاتم در ادامه مقاله خود نقوش را به تفکیک بیان می کند:

«سرزمین ایران از آن جایی که از دیرگاه به عنوان سندی معتبر در بازگویی وقایع گذشته مورد توجه بوده است، بدیهی است که بگوییم ایرانی ها هم دارای ذوق هنری و زیباپسندی خاص نیز بوده اند. نشان این ذوق در آثار سفالی شوش، تپه سیلک تپه کیان، تورنگ تپه، تپه حصار دامغان و... آشکار است.

ایرانی ها توجه خاصی به نقش حیوانات داشته اند. علاوه بر نقوش حیوانات از نقش های هندسی برای تزیین ظروف و سفال های خود استفاده می کردند. طرز کار هنرمندان قدیم ایران به شیوه (ناتورالیست) یعنی طبیعی سازی نیست بلکه ایرانیان از هزاران سال پیش نقش های تجریدی (استیلیزه) و رمزی (سمبلیک) را ترجیح داده‌اند.

نقش پردازی روی ظروف از نظر تنوع طرح عبارت اند از: خط ساده، خطوط متقاطع، اشکال هندسی، نقش حیوان، نقش پرنده و طرح انسان. این نقوش بر بدنه سفال که آمیزه ای است از خاک، آب و آتش سه عنصر مقدس ایران باستان، نقش زده شده اند.»[2]

---

[1] ابهام پوپ، آرتور؛ شاهکارهاي هنر ايران؛ اقتباس و نگارش دکتر پرويز ناتل خانلري؛ موسسه انتشارات فرانکلين، ص ۱۰و۹.

[2] دکتر حاتم غلامعلي؛ فصلنامه هنر؛ شماره ۲۸؛ بهار ۱۳۷٤؛ ص ۳۷۸-۳۵۵.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

www.kandoocn.com
www.kandoocn.com
www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

خط ساده: خط افقی و یا عمودی که گاه ساده و زمانی موج‌دار است، روی اغلب ظروف سفالی دوران پیش از تاریخ دیده می شود. اینها علاوه بر زیبایی، هدف دیگری دربر دارند، سازنده می خواسته به این طریق از جویباری که آب آن مورد استفاده قرار می گرفته گفت و گو کند و حرکت آن را به وسیله خط موجدار مجسم می سازد.

خط متقاطع: گروه دیگر این ظروف با خطوط متقاطع تزیین یافته اند. به این معنی که چند خط به طور متقاطع روی یک خط رسم گردیده است. نقش به دست آمده شباهت زیادی به خیمه هایی دارد که مردم صحرا نشین در آن زندگی می کرده اند. در ترسیم خطوط احتمالاً سازنده از محل مسکونی خود الهام گرفته است.

اشکال هندسی: هنرمندان به سبب تجربه ای که به دست آورده بودند، با در هم آمیختن خطوط به ایجاد اشکال هندسی زیبایی چون مربع، لوزی، مثلث و دایره موفق شده اند. داخل این اشکال نیز با طرح های کوچک تری پوشیده شده که هر یک دارای معانی خاص و بیان کننده موضوعی می باشند. مثلاً خطوط موازی منکسر که در دایره یا مستطیلی محاط اند مقداری آب را نشان می دهند و یا مثلثی که داخل آن خط شطرنجی طرح گردیده معرف کوه است.

نقش حیوان: روی عده ای از این ظروف نقش حیواناتی چون بز، قوچ، اسب، مار، ماهی و غیره دیده می شود که هر کدام برای خود تعبیری دارند.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

مفهوم نقش بزکوهی:

هر قوم باستانی بز کوهی را مظهر یکی از عوامل طبیعی سودبخش می دانسته، مثلاً در لرستان بز حیوان خورشید و وابسته به خورشید بود و گاهی نیز مظهری از فرشته باران بود. زیرا از زمان های کهن ماه با باران و خورشید با خشکی و گرما رابطه داشته است و چون میان شاخ های خمیده بز کوهی و هلال ماه نیز رابطه ای وجود دارد از این رو مردم باستان عقیده داشتند که شاخ های پرپیچ و خم بز کوهی در نزول باران موثر است.

غالباً دم حیوان دراز و کشیده شده و شاخ ها نیز بدون تناسب پهن و بزرگ گردیده است. بعدها فقط به نمایش شاخ بز پرداخته شد، به این صورت که دایره ای بزرگ طرح می نموده اند. گاه طرح بز به طور مستقل روی ظروف به چشم می خورد و زمانی تعداد زیادی از آنها را می بینیم که گروهی نقش شده اند، شاید این نشانه‌ای است برای گله و رمه ای که در اختیار دا شته اند. باید گفت که بز کوهی نیاز به گیاه دارد، و کوه منبع رستنی هاست، و ماه نگهدار آن، هرجا بز کوهی با آن چابکی خاص خود دیده شود، نشان از آب و گیاه می دهد.

بز کوهی مظهر فراوانی و رب النوع روییدنی ها و در شاخ آن قدرتی جادویی پنهان بود. به همین مناسبت در دوره های خاص، فقط شاخ بز کوهی به عنوان سمبل روی ظرف دیده می شود.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

قوچ:

قوچ در نظرها یک حیوان بسیار پرقدرت و اسطوره ای است و چون مظهر باروری بوده و در گله زایش به وجود می آورد بنابراین در نظر مردم محترم بوده است. امروز هم در صنایع دستی و حتی در سنگ مزارها نقش قوچ، بر مزار ملاحظه می شود که به خاطر همان تعلق خاطر انسان به آن حیوان در امر باروری مورد اعتنا است. قوچ نیز به عنوان یکی از حیوانات شاخدار، از حیوانات منسوب به خورشید محسوب می‌گردد.

مفهوم نقش اسب:

اسب و خورشید دو مظهری است که همه اقوام هند و اروپایی آنها را به یکدیگر مربوط ساخته اند. اسب در ایام پیش از تاریخ، در مراسم تدفین ایرانیان و یونانیان دخالت داشته و مجسمه اسب نشانه «مرگ» یا نماینده آن بود که متوفی را به دنیای دیگر می برد. و همچنین گوزن، مرکبی بوده برای انتقال روح از دنیای زمینی و نور و روشنایی به دنیای تاریکی زیر خاک. در آیین مهری اسب بالدار، تغییر شکلی است از خدای پیروزی.

هم چنین در آیین مهری، اسب سپید نمایشگر ایزد آب «تشتر» و اسب سیاه نمایشگر «انبوش»، دیو خشکسالی است. اهمیت این حیوان آنقدر بوده است که در قالی پازیریک نیز نقش این حیوان به صورت بالدار، دیده می شود. اسب حیوانی است که همواره به عنوان مرکبی نجیب و مهربان مورد ستایش و احترام بوده است. سفال

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

سازان این دوران تنها به نقش اسب روی ظروف بسنده نکرده انـد بلکـه مجسـمه ایـن حیوان را به صورت یک شی تزیینی ساخته و پرداخته اند.

از انواع آن مجسمه، سفالی است (ریتون) به شکل اسب مربوط بـه حـدود ۸۰۰ ق.م که در حفاری شوش به دست آمده است. برپشت این مجسمه شکل زین و برگ طـرح گردیده است. یک طرف آن تصویری است از گراز در طرفین یک مربع که داخل آن با خطوط عمودی و افقی و متقاطع تزیین گردیده و در دو طرف دیگر تصـویر، گـراز بـه حالت تاخت و تاز در نیزار نشان داده شده است. در هـر دو طـرف طـرح مـرغ مـاهی خوار دیده می شود. در طرفین گردن اسب را پوشانده است.

سرانجام این که اسب نشانه ای از خورشید بود. «گزنفون» مورخ یونانی ضمن شرح تزیینات مربوط به حضور کوروش هخامنشی در انجام مراسم مذهبی مـی گویـد بـرای خورشید اسب هایی قربانی کردنـد. در هنرهـای اروپـا، و هنرهـای آسـیای مقـدم، در ناحیه‌هایی که از اواخر هزاره دوم پیش از میلاد، یا اوایل هزاره اول، مورد سکونت هند و اروپایی ها قرار گرفت، همواره اسب با نشانه های مربوط به خورشـید آمیختـه بـود. اگر این ارزش مذهبی، و سمبولی را بتوانیم به اسب نسبت دهیم، باید قبـول کنـیم کـه «ریتونی» که شکل اسب دارد، در مراسم تدفین مردگان به کار می رفته است.

رابطه سحرآمیز بین اسب و مرده و یا مردگان، تا مرزهای پیش از تاریخ اقوام هند و اروپایی بالا می رود و در عادات و رسوم پاره ای از ملت های عصر حاضر نیـز وجـود

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

دارد. این روابط سحرآمیز، در نزد بعضی ملل چنین است که اسب را با شخص متوفی به گور می سپارند، یا آن را در قبر او می سوزانند.

مفهوم نقش پلنگ:

گروه دیگری از ظروف با طرح پلنگ تزیین یافته اند. هنرمند در نقش پلنگ رعایت نسبت‌ها را شمرده به این معنا که دم حیوان خیلی بلند طرح گردیده و تقریباً دو برابر بدن حیوان است. این حیوان به خاطر فرم بدنش بیش تر مورد توجه انسان های اولیه قرار گرفته، و به علت قدرت بدنی زیادی که به عنوان یک حیوان وحشی داشته، مورد توجه بوده است.

مفهوم نقش مار:

مار تا هزاره اول پیش از میلاد مظهر آب های زیرزمینی بود و به همین دلیل مورد ستایش قرار می گرفت. طرح مار چون حاشیه ای برای تزیین دور ظروف به کار رفته است. این طرح نشانه نیکی یا بدی، فراوانی، نمایش آب و یا اهریمن، نیز می باشد.

قبل از ورود طوایف آریایی به نجد ایران، سکنه آن مانند سکنه هندوستان خدایان مار مانندی را پرستش می کردند و احتمال دارد که فرهنگ ایران و شمال هندوستان پیش از ورود طوایف آریایی دارای یک روح و مبداء واحد بوده اند و این فرهنگ پس از ورود آریایی ها در مذهب و اندیشه آنان تاثیر نموده است. مار در این دوران همواره از درخت و ماه نگهداری می کند و نماد آب می گردد و از حیوانات منتسب ماه است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

در نقش های دوران پیش از تاریخ رابطه ماه، گاو و مار و پیوند آنها با باران که همیشه مراقب درخت ماه می باشند به چشم می خورد. مار شاخدار نماد شناخته شده ماه است. همچنین مار به عنوان الهه باروری شناخته می شد. ارتباط مار با الهه باروری را این طور توجیه می کنند که به علت مواج بودن فرم بدن حیوان در حین حرکت او را مرتبط با آب می دانستند.

مفهوم نقش ماهی:

ماهی چون به آب زنده است، از آن به عنوان نمودی برای آب و باران و تازگی و طراوت استفاه می شده است. ماهی را برای تجسم دریا و آب که منشاء باروری شناخته می شد به کار می بردند.

مفهوم نقش آب:

آب همیشه نقش مهم و تعیین کننده ای در زندگی بشر داشته، تا آن جا که تمدن‌ها تماماً در اطراف آبها برپا می شده اند. در سفالینه هایی که مربوط به هزاره پنجم پیش از میلاد است نوعی سگ به عنوان نماد آب دیده می شود. خطوط موجی شکل، نماد آب است. نقش مرغان در اروپا که در مرداب ها زندگی می کنند، اشاره ای بر اهمیت آب است که برای حیات ضروری است.

در قدیم اهیمت آب بدان گونه بود که آب را در کنار باد و خاک و آتش قرار داده و آنها را بوجود آورندگان عالم و گردانندگان نظام هستی می دانسته اند، و همواره آنها را گرامی و مقدس می شمرده اند.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

مفهوم نقش پرنده:

نقش انواع پرنده و مرغ چون غاز، لک لک، مرغابی و امثال آن روی غالب ظروف سفالی که در نواحی مختلف ایران به دست آمده، دیده می شود. این نقوش گاه تقلید کامل از طبیعت اند و زمانی به طور استیلیزه نقش گردیده اند. در نقوش استیلیزه نقش‌ها بسیار ساده شده است. بعضاً پرندگان را روی مثلثی می بینیم که داخل آن شطرنجی شده است؛ نقش مثلث با خطوط شطرنجی نشان کوه است.

نقش پرندگان دریا غالباً روی خطوط موج دار افقی و عمودی که نشانه آب است رسم گردیده و هنرمند برای تجسم دریا بر روی ظرف نقش چند ماهی را در حد فاصل کوه ها طرح کرده و به این وسیله کوه و دریا را کنار هم مجسم ساخته است. نقش مرغان دراز پا که در مرداب ها زندگی می کنند اشاره ای به اهمیت آب است که برای حیات آنها ضروری است. غالباً پرندگان به طور جمعی روی ظرف نقش زده شده اما گاهی طرح پرنده را به طور مستقل و تنها نیز می بینیم.

رابطه ای بین پرنده، پرواز و مرگ از گذشته دور وجود داشته است و احتمالاً مرگ را نوعی پرواز به جهانی دیگر تلقی می نموده اند و بعضی مواقع آسمان به شکل پرنده‌ای که بال های خود را گشوده است جلوه می کند.

شاهین از پرندگانی است که نقش آن در سفالینه ها بسیار دیده می شود. شاهین با بال های گشوده مظهر حمایت الهی است و خدای حامی، نه تنها انسان ها را منظور دارد، بلکه حیوانات وحشی و اهلی را در پناه قدرت خویش نگهبانی می کند. در

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

نقوشی که شاهین در حال پرواز است، چنین به نظر می رسد که تمام موجودات زمینی را تحت نفوذ خود در آورده است، لذا در این مورد پرنده قوی نشانه تفوق و حمایت بر امور دنیای خاکی است.

عقاب، این پرنده تیزپرواز و باشکوه، که چشمان تیزبین و چنگال های قوی او همواره مورد توجه همگان بوده است، در دوران باستان، سمبل قدرت فر پادشاهی بوده است. گاه حتی تنها یک جفت بال او به عنوان نمادی از عقاب نمودار می گردد. هخامنشیان، عقاب را نشانه اقتدار و توانایی و مظهر جلال و عظمت می دانستند و پرش این پرنده بزرگ قوی را به فال نیک می گرفتند. در آیین مهر رستاخیز، در اکثر پدیده های هنری، نماد مهر به صورت عقاب نشان داده شده است.»[1]

[1] دکتر حاتم غلامعلي؛ فصلنامه هنر؛ شماره ۲۸؛ بهار ۱۳۷٤؛ ص ۳۷۸-۳۵۵.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

فصل دوم

۱- نقش برجسته و نمودهای آن در هنر ایران

هر انسانی در هر زمانی از این تاریخ میل بر بقا و جاودانگی دارد و در این راه سعی می‌کند چون وجود جسمیش فنا پذیر است لااقل برگردانی از خود یا طبیعت اطراف خود را به گونه ای جاودانه سازد تا آیندگان را به وجود خود آگاه کند.

دکتر عزت اله نگهبان از بزرگان باستانشناسی ایران در این مورد چنین می‌گوید:

«علاقه بشر در رهگذر زمان برای ثبت و جاودان نمودن وقایع زندگانی خود و بهره‌گیری از عوامل مختلف مانند لوحه های سنگی ، لوحه های گلی، سنگ نبشته ها ،مهرهای مسطح و استوانه و نقوش برجسته برای نیل بدین هدف، فصل مهم و جالب توجهی را در علم باستانشناشی بوجود آورده است. انواع مختلف این مدارک مستند که در دل تپه ها ، سینه صخره ها ، زوایای آثار باستانی و آستانه معابد و مساجد وجود دارند ، همگی حاکی از آن است که نسبت به ثبت وقایع زندگانی و تاریخی که شامل افتخارات او بوده است توجه شدیدی داشته است.»[۱]

البته ثبت وقایع زندگی و جاودان شدن تنها یکی از دلایل ساخت نقش برجسته ها می‌تواند باشد. در گذشته های دور بیشترین وظیفه نقش برجسته ها کاربردی بوده

[۱] دکتر نگهبان ، عزت اله ؛ مقدمه اي بر کتاب نقوش برجسته ايلاميـ نوشته دکتر محمد رحيم صراف ؛ انتشارات جهاد دانشگاهي دانشگاه تهران ؛ ۱۳۷۲

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

است و ساخت نقش برجسته به دلیل ابزاری خاصی بوده است. اگر پادشاهی دستور حجاری نقش برجسته ای را می‌داد برای نشان دادن قدرت خود بوده اگر لوح حمورابی ساخته شد برای اطلاع مردم از قوانین بوده ونیز بیشتر مهره هایی که ساخته شدند نشانی برای پادشاه یا فرد خاصی بوده است . لیکن در این میان نقش برجسته‌هایی نیز به منظور تزئین ساخته شده اند که میتوان گفت بعضی از مهرها در این زمره قرار دارند .

با گذشت زمان و متمدن شدن انسان توجه او به زیبایی بیشتر شد در نتیجه نقش برجسته‌هایی که برای تزئین به کار می‌رفتند بیشتر ساخته شدند. نقوش مختلف به صورت واقعی یا نمادین وارد نقش برجسته شد و گسترش یافت.ثبت وقایع نیز همراه با جنبه زیبایی نقش برجسته به حیات خود ادامه داد و راهی شد برای کسب اطلاعات در مورد آن زمان.

«نمونه های مختلف ثبت وقایع که در آثار باستانی در پهنه دنیای باستان از حوزه دریای مدیترانه تا دره رود سند مشاهده می‌گردد، در کشور ما ایران، تجلی خاصی داشته و شواهد مختلف آن چه در ضمن حفاریهای باستانشناسی و چه به صورت سنگ نبشته ها قرون متمادی آشکارا بدون شناسایی و تعیین هویت در دیدگاه بشر قرار داشته اند. بررسیهای اولیه باستانشناسی و کشف خطوط باستانی به تدریج متون ثبت شده در این سنگ نبشته ها را روشن نمود و با پیشرفت علم باستانشناسی نقوش برجسته و صحنه ها و کتیبه ها و متون آنها در مقام مقایسه با مجموعه اطلاعات

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

دیگری که از جهات مختلف در باستانشناسی پدید آمده بود قرار گرفت و بدین وسیله مستندات دیگری بر اطلاعات باستانشناسی افزون گردید.»

ماده مورد استفاده برای ایجاد ، نقش برجسته در گذشته شامل گـل ، سـنگ ، و فلـز بوده است.گل از جمله مواردی است که در دوران گذشته و پیش از تـاریخ بـه نـدرت برای نقش برجسته به کار می‌رفت و شاید بتوان یکی از نمونه های اولیه نقش برجسته گلی را سفالهایی دانست که با ابزارهایی که نوک آن مثلثی شکل یا نیم دایره بوده است سطوحی چون نقش برجسته روی آن به عنوان تزئین ایجاد کرده اند.

برای ساخت نقش برجسته فلز نیز در گذشته به کار می‌رفت که البته این امر بعـد از کشف فلز بوده است. نقش برجسته های فلزی بیشتر از جنس مفرغ در نـواحی خـاص و در اندازه های کوچک ساخته شده اند.

در میان مواردی که در گذشته برای ساخت نقش برجسته بـه کـار مـی‌رفـت سـنگ جایگاه ویژه ای دارد و بیش از سایر موارد به کار رفته است. سنگ نسبت به سایر مواد دارای استقامت بیشتری است و بدلیل اسـتحکام آن ، در گذشـته کـه بسـیاری از مـواد امروزی وجود نداشته است یا کشف نشده بوده است در بناها و کاخها بـه کـار گرفتـه می‌شدند. از دیگر ویژگیهای سنگ وجود آن و دسترسی آسان به آن اسـت، بخصـوص در ایران که منـاطق کوهسـتانی فراوانـی دارد. همچنـین پادشـاهان بـا حجـاری نقـش برجسته‌ها در دل کوه عظمت و ابهت خـود را بیشـتر بـه نمـایش مـی‌گذاشـتند .نقـش

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

برجسته در دوره های تاریخی ایران به صورت های مختلف نمود یافته است که بعضی از آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

یکی از آثار به دست آمده از فلات ایران در هزاره چهارم تا سوم پیش از میلاد مهرهای سفالی هستند که همچون نقش برجسته هایی کوچک با نقوش انتزاعی و تصویری منقوش شده اند.

این نقوش از شکلهای جانوران، انسان ،گیاهان ونقوش هندسی تشکیل شده اند. برخی از این مهرها به صورت استوانه ای ساخته شده و با غلتاندن آن نقش کاملی حک می‌شود. یکی از این مهرهای استوانه ای که متعلق به دوره شوش و هزاره سوم پیش از میلاد است یک دیوشیر، دوگاو، دوشیر، و یک دیوگاو را نشان می‌دهد. جانوران دیو شکل که ترکیبی از حیوان و انسان است در نقوش عیلامی‌به میزان زیاد دیده می‌شود.

از آغاز هزاره اول پیش از میلاد دسته ای از آریائیها از سمت شمال و کرانه شرقی دریای خزر وارد فلات ایران شدند. جام طلایی مربوط به این زمان از مارلیک بدست آمده است که دارای نقش برجسته های زیبایی است این نقش برجسته از جام نشان داده شده است. جواهرات لرستان نیز که مربوط به همین دوران یعنی هزاره اول پیش از میلاد است دارای نقش برجسته های هر چند کوچک اما زیبایی است.

در حکومت عیلامی‌نقش برجسته دارای اهمیت فراوانی بوده است از جمله مضامین آثار سفالی و نقش برجسته های این دوره همان گونه که پیش تر اشاره شد، پیکره‌های

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

الههٔ باروری و نیز حیوانات تلفیقی و دیوسان است . نقوش کنده کاری شده روی صخره ها نیز نشان از نوعی رویکرد واقع گرایانه و بازنمایی طبیعی و جسمانی دارد که بیش از همه در لوح سنگی منقوشی که از ارگ شوش به دست آمده می‌توان مشاهده کرد.

یکی از دوره های عظمت نقش برجسته به خصوص بر روی سنگ و صخره ها دوره هخامنشیان است نقش برجسته های این دوره دارای عظمت و زیبایی خاصی است . نقش کوروش که با دو بال و تاجی در پاسارگاد و بر روی ستونی اجرا شده است در ابتدای این دوره از آثار بزرگ این دوره است.

تخت جمشید نیز که از بناهای مهم این دوره است دارای نقش برجسته هایی بسیار زیباست. در نقش برجسته های تخت جمشید صحنه هایی از مراسم و مناسک رایج در تخت جمشید است که عموماً پیکره پادشاه کانون اصلی هر صحنه است. در نقش برجسته های مربوط به ردیفهای هدیه آوران ، صحنه بارعام پادشاه و دیگر نقش برجسته مربوط به آرامگاه ها درعین حال که همگی حکایت از تبحر و مهارت سنگتراشان دارد ولی هر یک گوشه ای از مراسم و وقایع سیاسی و مذهبی آن دوران به نمایش می‌گذارند. ویژگی این آثار این است که هنرمندان پیکرتراش بتمامی‌در خدمت اجرا و طرح بودند و مجالی برای بروز بیان شخصی خود نداشتند و کاملا مطیع بودند.

در دوره پارتیان ،ما به خوبی تأثیر هنر یونان را مشاهده می‌کنیم به طوری که در بعضی بناها شاهد تصویر زن در نقش برجسته ها هستیم که در دروه هخامنشیان وجود

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

نداشت. ساخت نقش برجسته با گچ در این دوره رواج بسیار یافت که می‌توان به نمونه های آن در آسور و اوروک (در عراق) اشاره کرد.

نقش برجسته های دوره ساسانی بسیار حائز اهمیت هستند و تعداد زیادی از آنها وجود دارند که نشان دهنده ذوق هنرمندان ساسانی است. نقش برجسته طاق بستان در کرمانشاه از آثار بزرگ این دوره است. گچبری نیز در این دوره بیشتر از دوره پارتیان پیشرفت کرد و از نقوش مختلف گیاهی ، حیوانی ، انسانی و هندسی استفاده شده است.

از بعد از دوره ساسانیان نقش برجسته دارای اهمیت قابل ذکری نمی‌باشد لیکن در حال حاضر هنر نقش برجسته مجدداً در حال یافتن جایگاه خود به عنوان یک هنر است و بیشترین ماده اولیه ای که برای اجرای این هنر به کار می‌رود گل است.

امیدوارم هنر مندانی که در این راه قدم برمی‌دارند قدوم خود را بر پایه هنرو تمدن ایرانی استوار گردانند و به رشد و اعتلای این هنر بیش از گذشته کمک کنند.

۲- تکنیک های اجرای نقش برجسته بر سفال

الف- موادو مصالح

ماده اصلی اجرای یک نقش برجسته سفالی گل است . گل سفالگری خود از ترکیب خاک رس و آب تشکیل می‌شود و در اینجا آنچه بر روی گل سفالگری تأثیر گذار است، که دارای چه کیفیت و چه ویژگی هایی باشد خصوصیات خاک رس است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

سنگهایی که توسط عوامل مختف دچار فرسایش شدند توسط رودخانها به مناطقی حمل گردیدند و در آنجا لایه های رسوبی را تحت فشار به وجود آوردند. این لایه ها نیز بعدها توسط عوامل جوی و رودخانه ها فرسایش یافتند و پس از ته نشین شدن و بیرون آمدن از سطح آب خشک شدند که امروزه به معدنی برای خاک رس تبدیل شده اند. ترکیبات اصلی تشکیل دهنده خاک رس سیلیکاتها و آلومینیوم است که همراه با ناخالصی های دیگر مانند آهن یافت می‌شود . مقدار آهن موجود نقش اساسی در رنگ سفال بعد از پخت دارد.

در ترکیبات شیمیایی خاک رس مقدار زیادی آب وجود دارد هر چقدر بلورهای خاک رس کوچکتر باشد آب موجود در خاک بیشتر است در نتیجه انعطاف پذیری خاک هم بیشتر می‌شود.

خاک آماده پس از نرم شدن و جدا کردن ناخالصیهای احتمالی مانند سنگ و ماسه با آب مخلوط می‌شود . قابل ذکر است که ماسه موجود در خاک را باید با ته نشین کردن از خاک جدا کرد. پس از مخلوط کردن آب با خاک سفالگر با لگد کردن و چنگ زدن آن و در نهایت ورزدادن، گل را برای کار آماده می‌کند . آماده کردن گل توسط دستگاههای مکانیکی نیز صورت می‌گیرد. این دستگاه ها به صورت یک همزن عمل می‌کند و دوغاب تشکیل شده را با به هم زدن یکدست می‌کند پس از اتمام این عمل دوغاب الک می شود و سپس آب موجود در گل را خارج می کنند این عمل با

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

روشهای دستی و ماشینی صورت می‌گیرد. ورزدادن از اعمالی است که پس از خارج کردن آب از از گل و سفت شدن به اندازه کافی صورت می‌گیرد.

این عمل لازم است تا گل برای شروع کار محیا شود و بدون ورزدادن کار به خوبی پیش نمی‌رود.

ب- ابزار:

در طی اجرای یک نقش برجسته ابزار زیادی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. یکی از این ابزارها، ابزاری است که بیشتر برای برداشتن گل استفاده می‌شود این نوع ابزار تشکیل شده از یک دسته و دو سرمیله ایی شکل . میله ها در قسمت سرابزار به اشکال مختلف مسطح ، ۹۰ درجه ، نیم دایره و غیره ساخته شده اند.

یکی از دیگر از ابزارهایی که استفاده عمومی‌بیشتری یافته است. تیغهٔ اره آهن بر است. که می‌تواند در اندازه های مختلف شکسته شود و چون دارای دو لبهٔ صاف و کنگره ای است، هم برای صاف کردن سطح و هم برای بافت دادن به آن به کار می‌رود.

ج- طرح

از ویژگیهای مثبت گل انعطاف پذیر بودن آن است که دلیل این امر کوچک بودن دانه های تشکیل دهندهٔ خاک رس است که بعد از مخلوط شدن با آب و ورزدادن انعطاف قابل ملاحظه ای می‌یابد. انعطاف پذیر بودن گل باعث می‌شود که هنرمند بتواند تقریبا هر گونه طرحی را بر روی آن منتقل نماید و با کاهیدن و افزودن گل اجرا

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

نماید. طرحهایی که امروزه برای اجرای نقش برجسته به کار می‌رود یا به صورت واقعی (رئال) است و یا مدرن و البته بیشتر آنها تقلیدی است که هیچ گونه رابطه ای با هنر ایران ندارد لیکن می‌بینیم آثاری را که را که با مشاهده آن احساس نزدیکی خاصی به ما به عنوان یک ایرانی دست می‌دهد این آثار هر چند مدرن و امروزی هستند بر آمده از فرهنگ و تمدن ایرانی است و با دیدن آنها هیچ گونه احساس بیگانگی در ما بوجود نمی‌آید.

د- اجرا

نقش برجسته ها می‌توانند به دو صورت قالبی و دستی ساخته شوند. روش قالبی بیشتر برای طرحهایی است که دارای تکرار یک نقش می‌باشد و در واقع قسمتی از طرح به تعداد زیاد و با همان شکل تکرار شده است که در این هنگام قالب گرفتن دارای صرفه زمانی می باشد و طرح نیز یکنواخت‌تر اجرا می شود. برای قالب گیری ابتدا نقش مورد نظر را بر روی یک خشت اجرا می‌کنیم سپس به کمک گچ از خشت قالب می‌گیریم در این مرحله می‌توان به کمک دوغاب گل خشت مورد نظر را ساخت.

اجرای دستی نیز برای طرحهایی که دارای شکل تکرار شده نیست به کار می‌رود. در این روش پس از انداختن طرح بر روی خشت خام بوسیله ابزار و با برداشتن یا اضافه کردن گل طرح را ایجاد می کنیم. امروزه از خشت های خام اما خشک شده نیز برای اجرای نقش برجسته استفاده می‌شود.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

ه- پخت

مرحله نهایی ساخت یک نقش برجسته پخت آن است. پخت سفال که پس از خشک شدن کامل سفال یا خشت صورت می‌گیرد در دو نوع کوره سنتی و برقی انجام می‌شود. کوره های سنتی دارای قدمت چندین هزار ساله می‌باشد و شکل و ساخت آن مدت مدیدی است که به طور ثابت باقی مانده است و تنها تفاوتی که قابل ذکر است نوع سوخت در این کوره ها ست. سوخت در کوره های اولیه همان چوب و خار و خاشاک بوده است که بعد از کشف نفت این ماده جایگزین آن شد. امروزه کوره های سنتی هستند که سوخت آنها نفت گاز و یا گاز طبیعی است. کوره های برقی نسبت به کوره های سنتی دارای امکانات بیشتری برای پخت است. پخت در این کوره ها با کنترل بیشتری صورت می‌گیرد. بیشتر این کوره ها دارای امکانات تنظیم دما و همچنین تنظیم زمان می‌باشند و در صورتی که طبق یک قاعده درست تنظیم شوند پخت سفال در این کوره ها دارای اطمینان بیشتری است.

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

فصل سوم

گزارش کار عملی:

گزارش اجرای نقش برجسته به عنوان پروژه عملی‌که طراحی آن را بر اساس نقوش حیوانی ایران باستان می‌باشدبه شرح زیر است:

برای اجرای هر نقش برجسته ای که ماده اولیه آن گل است اعمال مربوط بـه آمـاده سازی گل که خـود شـامل سـاخت گـل بـا خـاک رس، عمـل آوردن و ورزدادن گـل می‌باشد جزء مراحل الزامی‌است که به وسیله کارگاه طـرف قـرارداد صـورت گرفـت. البته این مراحل به طور خلاصه در بخش دوم از فصل دوم توضیح داده شده است.

اندازه کل کار ۳/۹۰ × ۲ /۲۵ متر می‌باشد که با توجه به اندازه در نظـر گرفتـه بـرای خشتها که در آن سعی شده است هم از اندازه یکنواخت و ساده مربع دوری شود و هم نسبت عرض و طول آن به گونه ای نباشد که بیش از اندازه کشیده و بلند دیـده شـود، ۱۵× ۲۵ سانتیمتر است که طول کار شامل ۲۶ خشت که به طـور عرضـی قـرار گرفتـه است و عرض کار شامل ۹ خشت که به طور طولی قرار گرفته است.

پس از عملیات خشت زنی توسط کارگاه خشتها به طور عمـودی در کنـار یکـدیگر قرار گرفتند و پوشانده شدند تا به مدت یک روز بمانند و گل از آن حالت شـل بـودن خارج شود و خود را با حالت جدید ، بگیرد.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

بعد از این مدت خشتها به محل پهن شدن منتقل گردیدند و در کنار یکدیگر قرار گرفتند. سپس بوسیله ابزاری صاف که می‌تواند کارت تلفن باشد سطح کار را صیقلی می‌کنیم . این عمل باعث بر طرف شدن ایرادها و آسیب هایی می‌شود که در هنگام خشت زنی و یا انتقال خشتها ایجاد شده است.

طرح در نظر گرفته که قبلا به کمک دستگاه اپک بزرگ شده است و بر روی کاغذ منتقل گردیده در اینجا بر سطح کاربن می شود و بوسیله ابزاری نوک تیز بر روی خطوط طرح می‌کشیم تا اثر آن بر سطح کار بماند و در واقع طرح بر روی خشت های فرش شده منتقل گردد.

از این زمان به بعد کنده کاری و برداشتن گل از قسمت هایی از طرح آغاز می‌گردد که در مورد این کار در اولین مرحله برداشتن گل از زمینه طرح که نسبت به سایر قسمت ها در سطح پائین تری قرار می‌گیرد انجام می‌شود . سپس در سایر قسمت ها با توجه به اینکه کدام قسمت از طرح پائین تر یا بالاتر و زیر یا روی دیگر قسمت ها قرار می‌گیرد برداشتن گل ادامه می‌یابد.

در اجرای این نقش برجسته سعی شده است کنده کاریها و پستی و بلندیها به گونه ای باشد که کار در نهایت حالیت یکنواخت و ساده نداشته باشد به همین دلیل حتی در بعضی قسمت ها ، با اینکه ضخامت خشتها حدود ٤ سانتیمتر می‌باشد باز هم برای زیبایی بیشتر گل اضافه گردیده و ضخامت بیشتر شده است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

بافت ایجاد شده در این کار فقط در زمینه کار و به کمک تیغه اره آهن بر صورت گرفته است. برداشت گل نیز در این کار بوسیله تیغه اره بوده است.

البته مشکلاتی در حین اجرای کار بوجود آمد که یکی از این مشکلات ترک خوردن خشتها در جاهایی بود که ضخامت کمتری داشت. تفاوت ضخامت در این خشتها از پائین ترین سطح تا بالاترین آن بسیار زیاد است و این باعث اختلاف زمان در خشک شدن این دو قسمت می‌شود و در نهایت ترک خوردن خشت. مشکل دیگر از نظر اجرا عرض زیاد کار و عدم دسترسی به قسمت وسط کار است که این مشکلات در مورد اول با مرمت خشت و در مورد دوم با استفاده از یک قطعه چوب مسطح به طول و عرض حدوداً ۵۰ سانتیمتر حل شد.

پس از کنده کاری و اجرای کامل کار به وسیله ابزار پشت خشتها را شماره گذاری می‌کنیم.تا چیدن خشتها پس از پایان کار راحت تر صورت گیرد. همچنین به کمک ابزار با ایجاد شیارهایی باز در پشت خشتها مقداری گل از آنها در می‌آوریم .

این عمل به دو دلیل صورت می‌گیرد که یکی سبکتر شدن خشتهای ضخیم است و دیگری خشک شدن سریعتر آنهاست.

بعد از عمل شماره گذاری، خشتها به طور عمودی و البته جدا از یکدیگر چیده می‌شوند و به اصطلاح دیواره می‌شوند و برای اینکه به مرور خشک شوند و در این مرحله ترک خوردگی ایجاد نشود درحالت عمودی ، با روزنامه و کاغذ پوشانده شدند.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

عمل پخت نهایی ترین مرحله پس از خشک شدن خشتها ست. خشتها در این مرحله به کوره منتقل می‌شوند و در آن چیده می‌شوند. کورهٔ پخت این کار کوره سنتی و گاز سوز است و مدت زمان پخت آن بین ۱تا ۲ روز است . پس از اتمام پخت حدودا ۲ روز برای پائین آمدن درجه حرارت کوره و سرد شدن خشتهای پخته شده لازم است.

بیرون آمدن خشتهای پخته شده از کوره به منزله پایان کار می‌باشد هر چند می‌توان اندکی سطح کار را با کاغذ سمباده صیقلی کرد. در این هنگام نقش برجسته آماده نصب در هر محلی می‌باشد.

www.kandoocn.com
www.kandoocn.com
www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

منابع و مآخذ

۱- سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر، لیلا رفیعی، انتشارات یساولی، ۱۳۷۷.

۲- سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، سیف الله کامبخش فرد، انتشارات ققنوس.

۳- تاریخ صنایع ایران، دکتر ج، کریستی ویلسن، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات فرهنگسرا.

٤- نقوش زینتی در ایران زمین، جلیل ضیاءپور، انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳.

۵- ایران از آغاز تا اسلام، رومن گیرشمن، ترجمه محمدمعین، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۳٦.

٦- شاهکارهای هنر ایران، آرتور اپهام پوپ، اقتباس و نگارش دکتر پرویز ناتل خانلری، موسسه انتشارات فرانکلین.

۷- فصلنامه هنر، شماره ۲۸، بهار ۱۳۷٤.

۸- نقوش برجسته ایلامی، دکتر محمد رحیم صراف، انتشارت جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

۹- دایره المعارف فارسی، دکتر غلامحسین مصاحب، انتشارات فرانکلین، ۱۳٤۵.

۱۰- فن و هنر سفالگری، فائق توحیدی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۹.

۱۱- تاریخ هنر ایران و جهان، فرهاد گشایش، انتشارات عفاف، ۱۳۷۸.